

# نبرد خلق

کارگران همه ی  
کشورها  
متحد شوید

شماره ۲۷۱  
دوره چهارم سال بیست و چهارم  
اول بهمن ۱۳۸۶  
آمریکا کانادا ۱ دلار،  
اروپا یک یورو

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یادداشت سیاسی

سرمقاله

## نمایشی که قبل از اجرا مفتضح شد.

### تغییر در تاکتیک، ورود از پنجره

منصور امان

شواهد روشنی وجود دارد که از تلاش جمهوری اسلامی در جهت پایین کشیدن فتیله بُحران خارجی تا درجه ای تحمّل پذیر و تا میزانی که به سوزاندن امکانات و فرصتهای آن منتهی نشود، حکایت می کند. مقامهای نظامی آمریکا که از کاهش دامنه مداخله گری رژیم مَلاها در عراق خبر داده اند، حرکت آن به این سمت را تایید می کنند. همزمان، آقای پوتین، ارسال محموله اورانیوم غنی شده برای نیروگاه بوشهر را به مقصد خریداران آن آغاز کرده است؛ اقدامی که مُسکو در گذشته به بهانه های گوناگون از انجام آن سر باز زده بود. از سوی دیگر، ایالات متحده از زبان آژانسهای اطلاعاتی خود اطلاع می دهد که رژیم مَلاها از تولید جنگ افزار هسته ای دست شسته و برنامه مربوط به آن را متوقف کرده است و حتی سابقه این امر را به ۳ سال پیش بازگشت می دهد.

بقیه در صفحه ۳

مهدی سامع

درست در شرایطی که عده ای بی صبرانه و در خیال خام خود در انتظار «مشارکت» در نمایش انتخابات هشتمین دوره مجلس ارتجاع بودند و با دامن زدن به توهم «انتخابات آزاد» در نظام ولایت فقیه در صدد بودند تا از نمذ پوسیده ولایت کلاهی برای خود بدوزند، آیت الله خامنه ای روز ۱۹ دی به صحنه آمد و آب سردی بر آتش کسانی که می خواستند تنور خامنه ای ابتدا دوم خردادیهایی را که در دور قبلی در اعتراض به رد صلاحیتها تحصن کرده بودند را مورد حمله قرار داد و گفت: «دوره ی قبل، چهار سال قبل از این، یک ماجرابی راه انداختند یک نمایشی بود، یک بازی بود. راه انداختند، هدف هم همین بود که بلکه انتخابات رو تعطیل کنند. با لطف خداوند و ایستادگی مردم نتوانستند انتخابات را تعطیل کنند.» وی سپس درخواست نظارت بین المللی بر این انتخابات را «بی شرمی و بزرگترین جسارت» دانست. ولی فقیه نظام کسانی که در مورد این انتخابات اظهار شک و تردید می کنند را نیز مورد حمله قرار داد و با طعنه گفت: «چرا برخی افراد با این سخنان که امیدواریم از روی غرض ورزی نباشد به حیثیت انتخابات خدشه وارد می کنند. هی مرتب تکیه می کنند آقا تقلب نشه، آقا تقلب نشه، آقا دستبرد نشه. چه تقلبی؟» خامنه ای حمایت رئیس جمهور آمریکا از دوم خردادیها را «ننگ» دانست و گفت: «دو روز قبل از این بوش رئیس جمهور آمریکا گفت ما از فلان دسته در ایران حمایت می کنیم. این ننگه برای هر کسی که آمریکا بخواد اون رو تحت الحمايه خود بگیره.»

بقیه در صفحه ۲

### جهان در آینه مرور

#### زنان کارگر

لیلا جدیدی

در این شماره می خوانید:

– از کنگره ملی آفریقا چه خبر؟

– سیستم غذایی جهان

– سر پیچی از پیمانهای بین المللی پاکسازی مینها،

نابودی و منع بمبهای خوشه ای و... پاکسازی مینها

صفحه ۸

### مروری بر رویدادهای جهان در

سال ۲۰۰۷

جعفر پویه

رژیم ولایت فقیه در ایران به ریاست جمهوری احمدی نژاد سوار بر امواج باد آورده پترو دلارهایی که خیر و برکت جنگ در منطقه است یکی از خیر ساز ترین کشورهای جهان بود. ظاهراً می شود اینگونه گفت که کمپانی های نفتی بر اثر جنگ در منطقه نفت خیز خاورمیانه بار خود را بستند و در روزهای پایانی سال موفق شدند تا این مطاع حیاتی را به ۱۰۰ دلار معامله کنند.»

در صفحه ۶

در گرامیداشت سی هفتمین  
سالگشت حماسه سپاهکل  
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
در آمریکا برگزار می کند

سخنران: منصور امان، عضو کمیته مرکزی

سازمان

پرسش و پاسخ: مهرداد قادری عضو کمیته

مرکزی سازمان

ترانه، سرودهای ماندگار: کارگاه هنر ایران

زمان: یکشنبه ۱۰ فوریه ۲۰۰۸ از ساعت ۶

تا ۹ عصر

مکان

Visitor Center at Frying Pan Farm Park

2709 West OX Road

Herndon, Virginia 20171

الف – آناهیتا

«حضور زنان کارگر دوشادوش مردان کارگر در اعتراضات کارگری در مدت سه دهه حاکمیت ارتجاع قابل تحسین و ستایش است. از بارزترین نمونه آن شرکت زنان و دختران کارگر و یا همسران کارگران مرد که خود به کار خانگی مشغولند در راهپیمایی سراسری روز یازده اردیبهشت ماه امسال و یا تجمع کارگران قند یاسوج به همراه پنجاه نفر از زنانی که شوهرانشان در این کارخانه کار می کنند در مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد است.»

در صفحه ۱۰

#### رویدادهای هنری

لیلا جدیدی

در صفحه ۱۲

#### زنان در مسیر رهایی

الف – آناهیتا

در صفحه ۱۴

سرنگون باد رژیم استبدادی – مذهبی ولایت فقیه با تمام دسته بندیهای درونی آن، هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی

## یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱  
 حامنه ای دستور صادر کرد که: «گروهها و افراد سیاسی علاوه بر متمایز کردن مرز خود با دشمن، باید مرز خود با مزدوران، نوکران و افرادی که در خدمت دشمن هستند نیز مشخص کنند.» این سخنرانی و توپ و تشرهایی که در آن وجود داشت طی دوران سلطنت خامنه ای بی سابقه است. او بدون آن که از کسی نامی بیاورد آن چنان با دقت آدرس گیرنده های پیامش را بیان کرد که آقایان رفسنجانی، خامنه، حسن روحانی، ابراهیم یزدی و شرکا دریابند که ولایت خامنه ای تصمیم ندارد در سیاستی که با برآمد احمدی نژاد در پیش گرفته تجدید نظر کند.

یزدی و آیت الله مهدوی کنی با من در این خصوص صحبت کردند تا من در رقابتها حضور یابم... با همه ذهنیتی که خودم داشتم اما احساس کردم نوعی وظیفه دینی و ملی برای حضور در رقابتهای انتخابات پیدا کرده ام و بر این اساس قبول کردم که نام نویسی کنم.»

سابقه ذهنیت تردید آمیز علی لاریجانی که در سرسپردگی به ولی فقیه جای هیچ گونه تردیدی وجود ندارد به زمانی بر می گردد که در تضاد با احمدی نژاد مجبور به ترک مقام اول شورای عالی امنیت ولایت خامنه ای شد. به هر حال در پایان روز جمعه وزارت کشور خبر ثبت نام ۷ هزار و ۲۰۰ نفر که حدود ۵۰۰ نفر از آنان زن و ۱۳ نفر از خارج کشور می باشند.

در حالی که از جناحهای رقیب کمتر چهره مطرح ثبت نام کرده اند، از طرفداران احمدی نژاد و مولفه اسلامی و متحدان آن که در مجموع مورد تأیید کامل آیت الله خامنه ای هستند تعداد زیادی ثبت نام کرده که در میان آنان تعداد پاسداران و ماموران امنیتی جای برجسته ای دارد. بدین ترتیب گروهها بیشتر سرسپرده ولی فقیه همه ی ظرفیت خود را برای رقابت درونی محدودتر به کار گرفتند تا هر یک بتوانند کرسیهای بیشتری را اشغال کنند. آنچه مسلم است تعداد زیادی از ثبت نام شدگان توسط وزارت کشور و پس از آن توسط شورای نگهبان رد صلاحیت خواهند شد و رقابت اصلی بین حامیان احمدی نژاد، مولفه اسلامی و متحدان آن و باند قالیباف-محسن رضایی خواهد بود. در بین طرفداران احمدی نژاد پاسداران سرکوبگر و مقامهای امنیتی شکنجه گر مثل محمدعلی رامین، مرتضی آقانهزینی، علی فلاحیان و روح الله حسینیان وجود دارد.

به نظر می رسد مجلس هشتم کپی سیاهتری از مجلس هفتم ارتجاع از کار درآید. با این حال نباید تصور کرد که قلع و قمع شورای نگهبان و توپ و تشرهای ولی فقیه می تواند به جدالهای درونی باند قدرت و ثروت پایان دهد. جدالهای درونی باندهای شریک در قدرت در شرایطی که جامعه در بحران شدید سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار دارد و تضاد بین مردم و نظام ولایت فقیه هر دم تشدید می شود و در شرایط ضعف و بن بست ولایت خامنه ای و حرکتهای ویرانگر کوتوله عزیز

دردانه اش، نمی تواند تخفیف پیدا کند. نمایش انتخاباتی کنونی که روز ۲۴ اسفند برگزار می شود، قبل از اجرا آن چنان مفتضح شده است که علاوه بر نیروهای دمکراتیک و ترقیخواه، بسیاری از افراد و نیروهایی که در رویای شراکت در نظام استبدادی مذهبی بودند نیز مجبور به تحریم آن و یا اعلام خجولانه عدم شرکت در آن می شوند. آیا کسانی که شرایط ۲۰ گانه انتخابات آزاد را اعلام کردند، اکنون که با شرایطی منقبض تر از گذشته و با انتخاباتی نمایشی و فرمایشی روبرو هستند و خودشان در اطلاعیه ۳۰ دیماه اعلام کرده اند که «انتخابات مجلس در ایران آزاد» نیست و منطبق بر «اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی» نیست، حاضرند به طور صریح و شفاف این انتخابات ضد دمکراتیک را تحریم کنند؟ تعهد به همان مواد ۲۰ گانه حکم می کند که اعضای «کمیته دفاع از انتخابات آزاد» همراه با نیروهای دمکراتیک و ترقیخواه کشورمان به صفوف تحریم کنندگان انتخابات بیبوندند.

زنان و مردان ایران زمین با آگاهی به رقم سازبها و تقلبهای مرسوم در جمهوری اسلامی این انتخابات را تحریم خواهند کرد. عبدالله رمضان زاده که سخنگوی دولت خامنه بود و از کم و کیف انتخابات دوره قبل مجلس آگاه است گوشه ای از عدم شرکت مردم را افشا می کند. سایت «برای فردا» در روز ۲۲ دی ۱۳۸۶ از قول او می نویسد: «بسیاری از راهیافتگان به این مجلس زیر ۱۰ درصد از آرای افراد واجد شرایط در محلهای انتخاباتی خود را آن هم در حالتی غیر رقابتی و بدون رقیب کسب کرده اند.....برخی از راهیافتگان این مجلس حتی زیر ۲٫۵ درصد از آرای واجدین شرایط را کسب کرده اند.»

مسلم است که رمضان زاده همه ی حقایق پیروزی تحریم در نمایش انتخاباتی دوره قبلی مجلس ارتجاع را بیان نمی کند. اما همین حد از بیان واقعیت نشان می دهد که تحریم فعال سیاسی موفق بوده است. شرکت در نمایش انتخاباتی ولایت خامنه ای و تبلیغ برای کنشاندن مردم به پای صندوقهای رای با هر توجیهی که صورت گیرد، حمایت از استبداد مذهبی حاکم و گرم کردن تنور سرکوب و بنیادگرایی و تروریسم دولتی است.

## مقتول یک نظام

لیلا جدیدی

اینان  
 این مردگان  
 یا کشتگان  
 یا جنگل بزرگ شهیدان  
 نزدیک سی بهار  
 از هر تبار و رنگ  
 با هر کلام و ایده و آهنگ  
 با یک طناب  
 بر دار بر شدند و دمیدند  
 از یک سلاح  
 تیر خلاص خورده و در گورهای مشترک جمعی آرام آریمند  
 اینان تمام کشته ی یک دست  
 یک سلاح  
 یک دار  
 یک تیر  
 یک فکر یک مرام  
 این مردگان تمام  
 مقتول یک نظام...

(اسماعیل وفا یغمایی)  
 به گزارش سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان، حسن حکمت دمیر، یک تبعه ترکیه و عضو گروه حزب حیات آزاد کردستان (پژاک) که در اسارت پاسداران خامنه ای قرار داشت، در حالی که مجروح بوده و روی برانگاز قرار داشت، به طور وحشیانه ای حلق آویز شد. او پیش از بازداشت، در اثر سرما زدگی در برف، هر دو پای خود را نیز از دست داده بود. اتهام حسن حکمت "اقدام علیه امنیت ملی" ذکر شد. این اولین بار و آخرین باری نیست که که نیزه زهر آلود رژیم ولایت فقیه پیکر مخالفان را با یک اتهام ثابت نشده به طرز وحشیانه ای می درد. رژیم ملاها نخست زیر تیرتیر "ضد انقلاب" و "ضد دین" برای کشتار اعضا و هواداران سازمان فدایی و "منافق" و "مرتد" برای سرکوب مجاهدین خلق که محبوب ترین سازمانهای متشکل اپوزوسیون در میان مردم بودند، به زمینه چینی پرداخت. سپس در کردستان با اتهام "تجزیه طلب"، به جان مردم شجاع و عاصی افتاد. ترکمنها را "آشوب طلب"، مردم عرب و خوزستان را "جدایی طلب" و مردم سیستان و بلوچستان را "قاچاقچی" لقب داد و به قتل عام آنان پرداخت. حکومت استبدادی ملاها به همین صورت، زنان را "فاسد" و "بدحجاب" می نامد، دانشجویان، معلمان و کارگران را "عوامل خارجی" معرفی می کند و به سرکوب آنان با همه ابزارهای ممکن مشغول است.

در اواخر سال ۲۰۰۷، سازمان ملل متحد قطعنامه ای را به تصویب رساند که در آن از همه کشورها خواسته شد اجرای احکام اعدام را متوقف کنند. با این حال حکومت ولایت فقیه با به راه انداختن موج جدید اعدامها و مجازاتهای وحشیانه، به دهن کجی به قراردادهای و میثاقهای بین المللی پرداخته است. آدم کشی جمهوری اسلامی مرزی را میان اقلیتهای ملی و مذهبی، آزادی خواهان و مردم سراسر ایران و همچنین شهروندان دیگر کشورها قابل نیست و در به کار بستن شیوه های وحشیانه علیه آنان نیز تبعیضی قابل نمی شود. از همین روست که براندازی بساط ظلم و ستم جمهوری اسلامی، مستلزم تلاشی مشترک، جمعی و با به کارگیری همه اشکال مبارزه است.

۲۴ دی ۸۶

## سرمقاله ...

بقیه از صفحه ۱

هر گاه این تحولات بی ارتباط با یکدیگر و یا رخ دادن همزمان آنها تصادفی پنداشته نشود، در این صورت تنها اجازه یک نتیجه گیری را می دهند و آن محاسبات جدید جمهوری اسلامی و تلاش برای خارج کردن خود از تیر رس مستقیم بر اساس برآوردهای آن است.

## محرکهای تغییر رفتار

فاکتورهایی که دستگاه ولایت فقیه را به این سمت به جنبش درآورده، ابتدا در نقاط تصادم سیاست رسمی حکومت، سیاست بحران به نمایش در می آیند. کانون اصلی و لمس پذیر چالش، مجازاتهای اقتصادی است که دو قطعهنامه شورای سازمان امنیت ملل مسیر گسترش و اعمال جداگانه محدودیتهای بیشتر از سوی کشورهای دیگر را فراهم آورده است. آثار ضربات خردکننده ای که بخشهای نفتی، بازرگانی و مالی "نظام" در این میان دریافت کرده اند، به شتاب نمود یافته اند و از همه بدتر آنکه، اقتصاد جنگی دولت نظامی - امنیتی ناکارایی همه جانبه ی خود برای مهار بحران و مدیریت حداقلی و فشرده اقتصاد در دوران ویژه را به زبانهای گوناگون و در همه ی پهنه هایی که وارد گردیده، اثبات کرده است.

این بارم افزودند. اخبار و اطلاعات لائسه شده ای در همین رابطه که از کانال رسانه های معتبر و همینطور منابع خبری منتقد انتشار می یافت، می بایست آخرین تحولات در انگاشتهای دولت ایالات متحده را به طور غیر رسمی به آگاهی گنجکالوان و علاقمندان می رساند. اندکی بعد با قرار دادن بازوی نظامی جمهوری اسلامی در لیست تروریستی و به همین گونه دستور توقیف داراییها و بازداشت سرکردگان بلندپایه آن، زوایای این انگاشت شکل روشن تر و رسمی تری یافت. رهبران "نظام" با وجود نمونه های افغانستان و عراق، نیاز زیادی به گمانه زنی پیرامون پیامدها و نوع برخورد با دولتهایی که آمریکا آنها را "تروریست" یا "پشتیبان تروریسم" ارزیابی می کند، نداشتند. سرانجام این آقای بوش بود که برای زدودن هر گونه سوء تفاهم پیرامون از دستور خارج کردن حمله نیش زنبوری به جمهوری اسلامی، ترم تهدید "جنگ جهانی سوم" در صورت دستیابی ملاءها به جنگ افزار هسته ای را به میان کشید. با آنکه ادبیات ریسیس جمهور آمریکا به دراماتیسم مبالغه شده شانه می ساید، همزمان اما جنبه های عملی و محاسبه پذیر آن می توانست مرزهایی که ایالات متحده در چالش با رژیم ملاءها نشانه گذاری کرده است را بازگو کند. آمریکا بدین وسیله آمادگی خود برای پذیرفتن رویارویی با ریسک گسترش درگیری نظامی با جمهوری اسلامی به منطقه و هر آنجا که رژیم ملاءها کاردتی ذخیره کرده است را اعلام می داشت.

پیام مهم دیگر آن بود که آمریکا توانسته است توافق کشورها و دولتهایی که به گونه ی بی واسطه در دایره ی تاثیر این سیاست قرار می گرفتند را به دست آورده و آنها در جبهه متحدی گرد پلاتفرم دفع خطر رژیم ملاءها، پشت سر خود متحد کند. اسرائیل، دولتهای عربی مانند مصر، اردن، عربستان سعودی و کشورهای جنوبی خلیج فارس و سر آخر متحدان آمریکا در اتحادیه اروپایی که در این زمینه آقای سرکوزی وظیفه سخنگویی آنها را عهده دار شده است، ترکیب جبهه مزبور را متمایز می کنند.

سیاست "نظام" بین چکش و سندان فشار اقتصادی و تهدید جنگی همه جانبه، در آستانه ورود به مرحله ای بود که در آن با حاصل جمع تدبیرهای خود و نتایج قطعی روبرو می شد؛ جایی که معادله برنده - بازنده، نوع مناسبات بین جمهوری اسلامی و طرف آن، ایالات متحده را تعیین می کند و فرجام این رویارویی، سخن آخر در باره سرنوشت مانور، چانه زنی، امتیاز گیری و امتیاز دهی را به زبان می آورد. در این قمار بزرگ، موضوع بازی نه به دست آوردن ابزارهایی برای پیشبرد استراتژی ثبات و "حفظ" نظام" بلکه،

خود این استراتژی به طور کلی می توانست باشد و رهبران جمهوری اسلامی نیازی به نگاه در جام رمالی و غیبگویی نداشتند تا بدانند که در این "آخرالزمان" کدام "امام" به انتظار ظهور نشسته است. از این رو، دستور کار فقط می توانست تلاش برای جلوگیری از به فرجام رسیدن این پروسه با یگانه امکان موجود یعنی، عقب نشینی و ایجاد فضای تنفس باشد. اگر چه به دلیل تمایل شدید جمهوری اسلامی به دیپلماسی پنهان نمی توان با قاطعیت از تاریخ مشخصی برای مادی شدن تغییر تاکتیک آن نام برد اما شکل گیری و شروع گفت و گوهای امنیتی با آمریکا در عراق می تواند علامتی باشد که به این سمت اشاره می کند.

در همین راستا - برخلاف ارزیابی رایج - گزارش آژانسهای اطلاعاتی آمریکا نه سرفصل سیاست متفاوت آمریکا - جمهوری اسلامی در برابر بحران روابط خود بلکه، نتیجه ی فازی از آن و به بیان دیگر، کنش سیاسی در مقابل کنش سیاسی است. از این رو به خوبی می توان نتیجه گرفت که صدور گواهی "توقف فعالیتهای تسلیحاتی هسته ای" برای رژیم ملاءها از سوی کاخ سفید، به دلایل، شواهد و تضمینهای بسا لمس پذیر تر و قابل اعتماد تری از داستان پلوسی - جاسوسی روایت شده در گزارش اتکا دارد و جمهوری اسلامی به طور مستقیم و غیر مستقیم آنها را ازابیه کرده است.

## بحران سازی پراگماتیستی

راه گریز جمهوری اسلامی از بن بست و عقب راندن تهدید فوری درگیر همه جانبه در یک برش زمانی نامناسب، تغییر مدار پروژه هسته ای از موضوعی سیاسی و امنیتی بین المللی به سوژه مورد مناقشه ای حقوقی و پایین آوردن سطح حساسیت آن به درجه ای است که بتوان گرد میز آژانس بین المللی انرژی اتمی یا ترکیباتی از نوع "سه تفنگدار"، برخورد و چانه زنی با طرفهای خارجی را پی گرفت. بدیهی است که شرط پایه ای تغییر ریل پرونده، دست زدن به اقدامهای "اعتماد سازانه" ای است که در راس آن، توقف فعالیتها برای دستیابی به بمب هسته ای قرار دارد. مطلوب ترین حالت برای جمهوری اسلامی ایجاد شرایط مشابه دو سال پیش و به طور دقیق هنگامی است که زیر آتش پشتیبانی حجت الاسلام روحانی و همکاری موثر آقایان استراو، فیشر و بارنیه، ارابه های سخت افزاری و نرم افزاری ساخت بمب به سمت موضع خود هل داده می شدند.

در صورتی که جمهوری اسلامی توانسته باشد توانایی بالقوه ساخت جنگ افزار محبوب خود را کسب کند یا چنین چشم اندازی را در صورت کسب مهلت ادامه ی پروژه های علنی

اش در برابر خود ببیند آنگاه دکمه ی تولید و انفجار آن را زیر انگشت خود داشته و همچون کره شمالی یا پاکستان می تواند فقط منتظر زمان مناسب برای فشار دادن آن بشود. تلاش جمهوری اسلامی برای خارج کردن دست خود از زیر ساطور، در حوزه دیگر درگیری یعنی، عراق به دلیل جریان داشتن کشاکش در سطح، به گونه شفاف تری مشاهده پذیر است. در این نقطه، تصمیم حجت الاسلام مقتدی صدر در مورد تعلیق حملات نیروهای خود و آتش بس یکطرفه با آمریکا و تایید کاهش حمایت تسلیحاتی - مالی جمهوری اسلامی از گماشتگان غیر رسمی خود در عراق از سوی پایوران آمریکایی، به جریان افتادن این سیاست را مستند و عینی می کند. جمهوری اسلامی ناچار است یک پایه از سیاست دو وجهی خود در عراق را که از حرکت از پایین (به طور مستقیم یا از طریق دستجات شبه نظامی شیعه و سنی) و نفوذ در بالا (به طور عمده از طریق جریان آقای حکیم) ترکیب شده است را کوتاه کند. دعوت کاخ سفید از آقای حکیم، سرکرده باند دست ساز ملاءها به نام "سپاه بدر" برای سفر به واشنگتن به منظور مذاکره - که به طور ضمنی به رسمیت شناختن این جریان نیز هست - همراهی آمریکا با این راه حل را بازتاب می دهد.

## موانع

در هر دو راه حل جمهوری اسلامی، ویژگی غالب، نامتعین و دوگانه بودن آنها است. بدین صورت که در عین دست زدن به اقدامهایی برای کاستن از نقاط درگیری رو در رو، همچنان فاکتورهای پایه ای محرک تنشج و اصطحاک را راهنمای سیاست خود قرار می دهد. از این زاویه، تدبیرهای رژیم ولایت فقیه نقطه اشباع بسیار پایینی دارد و مبتکران آن بسا زودتر از آن چه که می پندارند، با فشار طرفهای خارجی خود برای گسترش و ژرفش آن روبرو خواهند شد. باید توجه داشت که آمریکا به عنوان طرف اصلی منازعه، هیچ انگیزه یا دلیلی برای متوقف کردن فشار بر جمهوری اسلامی و آن هم در مقطعی که حریف را به گوشه رینگ رانده، ندارد.

از سوی دیگر، حفظ موازنه روی لبه این تیغ برای بنديازان در حالی که با رقابتهای درونی در دستگاه قدرت، فشار اجتماعی در داخل و محاصره از بیرون دست و پنجه نرم می کنند، به طور عملی ناممکن و چیزی در حد خیال پردازی به نظر می رسد.

## آمارهای پوشالی در برابر فقیر تر شدن مردم

رینت میرهاشمی

میلیون و ۸۲۶ هزار و ۶۷۶ تن به ارزش ۳ میلیارد و ۱۶۶ میلیون و ۵۲۳ هزار دلار بوده است. که در مقایسه با سال ۸۴ که رقم تقریبی ۵/۶۸ میلیون تن بوده، ۱۰۰ درصد افزایش داشته است.

گزارش خانه کشاورز در رابطه با واردات بی رویه شکر می نویسد: «جمع کل وارداتی به کشور در سال ۱۳۸۴ حدود ۷۰۷ هزار و ۱۱۴ تن گزارش شده در حالی که واردات این محصول در سال ۱۳۸۵ تنها در عرض یک سال به دو میلیون و ۵۲۶ هزار و ۲۴۹ تن رسیده است.» این گزارش تاکید می کند که: «این واردات شکر در حالی است که ۷۰ درصد نیاز کشور به شکر از محصولات داخلی چغندر قند و نیشکر داخلی تامین می گردد و برای جبران کسری مورد نیاز، سالانه به ۵۰۰ هزار تن شکر نیاز است. یعنی حدود ۵ برابر نیاز بازار با شکر خارجی در سال واردات شده است.»

مافیای واردات شکر که در دست باند آخوند مصباح یزدی است، ضربه ای اساسی به تولید شکر در ایران زده و منجر به بحرانی عظیم شده است. کارگران نیشکر هفت تبه بیشترین صدمه را از این بابت متحمل شده اند. اخبار سلسله اعتراضهای کارگران نیشکر هفت تبه در شماره های گذشته نبرد خلق منتشر شده است.

داده های آماری و زندگی واقعی مردم حکایت از آن دارد که بالا رفتن بهای نفت، جیب مافیای وابسته به قدرت را پر کرده است. در اثر رشد بهای نفت که تا کنون بی سابقه بوده است، نقدینگی افزایش یافته است و دولت پاسداران در مقابله با این نقدینگی، واردات را افزایش داده است. رژیم در بهترین شکل به جهانی سازی تجارت خدمت کرده و تولید داخلی را نابود کرده است. گستردگی واردات در زمینه شکر، برنج و بسیاری از محصولات دیگر، غیر واقعی بودن آمارهای «نرخ بیکاری» و «رشد اقتصادی» که از طرف مرکز آمار جمهوری اسلامی اعلام شده را نشان می دهد.

احمدی نژاد روز پنجشنبه ۲۷ دی، در برابر تفرغ و اعتراضهای مردمی جا خالی کرد و اعلام کرد که «نطق انتخاباتی من کمترین بحث را در باره ی اقتصاد داشت.» وی دفاع از ارزشهای الهی را از جمله وظایف خود در هنگام تبلیغات انتخاباتی دانست. رویکرد احمدی نژاد شکست وی در برابر مردمی است که او و شعراهایش را به چالش کشیدند و وادارش کردند که حرفش را پس بگیرد.

در حالی که بسیاری از واحدهای صنعتی تعطیل می شوند و هزاران کارگر را به بیکاری می کشاند، سران جمهوری اسلامی با ارائه آمارهای غیر واقعی خبر از پایین رفتن نرخ بیکاری و بالا رفتن نرخ رشد اقتصادی می دهند. این آمار حتما مورد تردید وابستگان به سیستم شده است. مرکز آمار رژیم در مهر ماه گذشته نرخ بیکاری را ۹٫۹ اعلام کرده، روز دوشنبه ۲۴ دی ماه، این نرخ را تک رقمی اعلام کرده است. بر اساس داده های آماری و وضعیت اقتصادی منعکس شده در رسانه های رژیم، این آمار غیر واقعی است.

دولت پاسدار احمدی نژاد که با شعار «بهبود وضعیت مردم» و یا «بردن پول نفت به سفره های مردم» به ریاست گماشته شد، با ارائه چنین آمارهای غیر واقعی سعی می کند شعارهای پوچش را در قالب چنین آمارهایی تحقق شده

پندارد. اوضاع آن چنان آشفته است که خدمتگزاران ولایت فقیه هم صدایشان در برابر این نوع فریبکاریها در می آید. علیرضا محبوب عضو کمیسیون اجتماعی مجلس رژیم، ضمن این که نرخ بیکاری را بالای ۱۶ درصد پیش بینی می کند، در مورد تک نرخ بودن آمار بیکاری ارائه شده از طرف مرکز آمار، آن را «تنها روی کاغذ» ارزیابی کرده است. شماری از محققان و دانشگاهیان این نرخ را حدود ۲۵ درصد ارزیابی می کنند.

در گزارش بانک جهانی منتشر شده در سال ۲۰۰۸، ایران از لحاظ «کسب و کار» در بین ۱۷۸ کشور جهان، در ردیف ۱۳۵ قرار دارد. (راديو فردا ۲۷ دی)

در گزارش سال ۲۰۰۸ بانک جهانی در رابطه با «چشم انداز اقتصاد جهانی» رشد اقتصادی ایران را تنها «نیم درصد» در سالهای ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶، دانسته است. آمارهای بانک جهانی با توجه به رشد بالای بهای نفت خام و نیز آمارهای حکومتی است و گرنه وضعیت معاشی مردم و گسترده شدن فقر، کذب بودن حتما نیم در صد رشد اقتصادی را می دهد.

خانه کشاورز در رابطه با سطح واردات کالا به ایران، آمارهایی در گزارش خود داده است که قابل توجه است. در این گزارش «رقم واردات محصولات کشاورزی در سال ۱۳۸۵ را نسبت به سال قبل از آن رشد ۱۰۰ درصدی» اعلام کرده است. در این گزارش آمده است: «رقم واردات محصولات اساسی کشاورزی در سال ۱۳۸۵، دقیقا ۱۰

## مهمترین رویدادهای کارگری

### در دی ماه

روز دوشنبه ۳ دی، کارگران شرکت پونل در پاکدشت دست به اعتراض زدند. این کارگران در اعتراض به نپرداختن حقوقشان در محل غذاخوری این کارخانه تجمع اعتراضی بر پا نمودند. یکی از کارگران شرکت کننده در این اعتصاب گفت: «این حقوقی که وزارت کار به عنوان پایه حقوق تصویب کرده است یک سوم مایحتاج اولیه ما را هم جواب نمی دهد و حالا وقتی همین حقوق را هم نمی دهند دیگر ما چکار می توانیم بکنیم.» (منبع سایت کارگر)

به گزارش روز ۳ دی ایسنا، عواملی مانند پرداخت نشدن حقوق کارگران و یا ندادن بن سالهای ۸۴ و ۸۵ به آنها موجب شده طی سه سال اخیر هزار و ۹۰۰ کارگر یک شرکت تولیدی در سمنان اخراج شوند و اکنون بنیاد مستضعفان به عنوان حامی این واحد حتی نمی تواند وثیقه های تهیه کند تا وام ۵۰۰ میلیون تومانی مصوب شده بانک صنعت و معدن را برای پرداخت حقوق معوق کارگران این کارخانه دریافت کند...

به نوشته روزنامه خراسان در روز سه شنبه ۴ دی ۱۳۸۶، «در پی فشار بانکها برای دریافت بدهیهای معوق خود از واحدهای تولیدی، مدیران بیش از ۷۰۰ واحد تولیدی در تبریز در نامه ای به رییس جمهوری و استاندار آذربایجان شرقی نسبت به تعطیل شدن این واحدها هشدار داده و اعلام کرده اند که مصوبه اخیر دولت و بانک مرکزی درباره دریافت بدهی معوقه واحدهای تولیدی آنها را در آستانه تعطیلی قرار داده است.»

خراسان نوشته که «فشار بانک ها به واحدهای تولیدی علاوه بر تعطیلی ۷۰۰ واحد تولیدی در آذربایجان شرقی احتمال دامن زدن به بیکاری فزاینده در این استان را ایجاد کرده است.»

روز جمعه ۷ دی، کارگران کارخانه چینی همگام در شهر کرد دست به یک تجمع اعتراضی در مقابل استانداری این شهر زدند. این کارگران به عدم پرداخت حقوقشان و نیز وضعیت معاشی خود اعتراض داشتند. (منبع سلام دمکرات)

روز سه شنبه ۱۸ دی، کارگران کارخانه سما، در محل این کارخانه دست به یک تحصن اعتراضی زدند. اعتراض این کارگران به عدم پرداخت حقوق به مدت ۵ ماه بوده است. (منبع آژانس ایران خبر)

کارگران کارخانه آزمایش واقع در مرودشت شیراز به دنبال یک حرکت اعتراضی مورد سرکوب حراست این کارخانه قرار گرفتند.

بر اساس گزارشهای منتشر شده در این رابطه، روز چهارشنبه ۵ دی ماه، حراست کارخانه مانع ورود ۳۲ نفر از کارگران به داخل کارخانه می شود. کارگران در این روز مقاومت کرده و توانستند وارد محل کار شوند.

در پی دستگیری گسترده دانشجویان، کارگران واحدهای مختلف با ارسال پیام و نوشتن پلاکارد حمایت خود را از دانشجویان اعلام کردند. فعالان انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار در کرمانشاه، با نصب پلاکارد در مقابل دانشگاههای رازی و آزاد در کرمانشاه از دانشجویان در بند حمایت کردند.

به دنبال دستگیریهای گسترده دانشجویان دانشگاههای ایران، جمعی از کارگران ایران خودرو طی بیانیه ای خواستار آزادی زندانی سیاسی و دانشجویان زندانی شدند.

در این بیانیه نوشته شده «دانشجویان این فرزندان ما از زندگی ما و از درد ما آگاهند. آنها می بیند پدرانشان چطور در اتاقهای اجاره ای با قیمتهای سرسام آور کمرشان می شکند. و یا در شهرکهای بدون امکانات اولیه زندگی می کنند دانشجویان از ما بهتر مشکل گرانی و تورم را احساس می کنند چون دانشجوی هر وقت از ما پول می خواهد، از ما امکانات می خواهد، از ما کامپیوتر می خواهد و فقط یک جواب می شنود ندار.»

در ادامه بیانیه آمده است: «در حالی که دانشجو فریاد عدالت طلبی می زند دولت مدعی عدالت به جای توجه به خواستههای محرومان جامعه به جای حل مشکل گرانی به جای حل مشکل مسکن و مشکل شهریه دانشگاهها راه زندان را به دانشجویان نشان می دهد به آنها حمله می کند از خوابگاهها بیرون می کشد و به مخوفترین زندان یعنی اوین می فرستد.» در پایان بیانیه آمده است «ما جمعی از کارگران ایران خودرو، ضمن محکوم کردن هرگونه بازداشت غیر انسانی و برخورد غیر مدنی با هریک از احاد جامعه، درخواست آزادی فوری تمام دانشجویان دستگیر شده و زندانیان سیاسی به خصوص دوستان کارگرمان آقایان اسانلو محمود صالحی و حکیمی گوهری و غلامی و عسگری هستیم و ما از تمام دوستان کارگر و از همکاران می خواهیم صدای فریاد آزادیخواهی و

بقیه در صفحه ۵

رویدادهای کارگری در دی ماه

بقیه از صفحه ۴

عدالت خواهی زندانیان سیاسی را به گوش همه مردم برسانند.»

بنا به خبری که روز ۱۷ دی ۱۳۸۶ به وسیله دیاکو در سایت آوای دانشگاه منتشر شد، جمعی از کارگران شاغل و بیکار عسولیه خواستار آزادی فوری دانشجویان و کارگران زندانی شدند. همچنین جمعی از کارگران پالایشگاه گاز فازهای ۹ و ۱۰ با نصب پارچه نوشته هایی خواهان آزادی دانشجویان و کارگران زندانی شدند. این پارچه نوشته ها در سه راه عسولیه و سه راه نخل تقی که از مسیرهای اصلی تردد کارگران پروژه های منطقه ی پارس جنوبی هستند نصب شدند.

به گزارش روز جمعه ۱۴ دی ۱۳۸۶ سایت همبستگی دانشجویان ایرانی در روزهای اخیر کارگران کاغذ سازی پارس، در پی به تعویق افتادن حقوق آنها به مدت ۳ ماه دست به اعتصاب زدند و خواستار پرداخت حقوق معوقه خود شدند. در پی این اعتصاب اداره اطلاعات شوش ۲۵ نفر از فعالان کارگری و کارگران شرکت کننده در این اعتصاب را به اداره اطلاعات احضار کرد و آنها را تحت فشار و مورد تهدید قرار داد. کاغذ سازی پارس که بیش از ۱۰۰۰ کارگر در آن شاغل هستند و از شرکتهای زیر مجموعه طرح نیشکر هفت تپه می باشد.

همزمان با اعتصاب فوق کارگران نی بر طرح نیشکر هفت تپه از روز دو شنبه ۱۰ دی ۱۳۸۶ دست به اعتصاب زدند. آنها در اعتراض به دفترچه های درمانی بیمه خود که بعضی از آنها بیش از ۱۵ سال حق بیمه پرداخت کرده اند ولی از امکانات درمانی بیمه محروم هستند.....

چند خبر از نشریه کارگری پویا، شماره ۲۰

**۴ دی : مجبور شدن اداره کار یزد به پیگیری حقوق معوقه کارگران کارخانه ریسندگی شادریس**

در جریان اعتراض و تجمعات کارگران کارخانه ریسندگی شادریس یزد طی هفته های گذشته اداره کار مجبور به پیگیری حقوق معوقه کارگران شده و قرار است در هفته های آینده به کارگران جواب بدهند. لازم به یاد آورید که کارگران کارخانه ریسندگی شادریس روز ۳۰ آذر ماه در مقابل استانداری دست به تجمع اعتراض آمیز زده و به دنبال آن به اداره کار مراجعه کرده و خواسته های خود را

ابلاغ کرده و اعلام کردند در صورتی که حقوق معوقیشان از سوی کارفرمای این کارخانه پرداخت نشود دستگاههای این کارخانه را استارت نخواهند زد.

**۶ دی: تجمعات اعتراضی کارگران کارخانه چینی همگام و چیت سازی بهشهر**

کارگران کارخانه چینی همگام در شهرکرد در مقابل استانداری تجمع کرده و نسبت به وضعیت معیشتی خود اعتراض کردند. تجمع کنندگان گفتند از آغاز امسال حقوق آنها پرداخت نشده است. کارگران کارخانه چیت سازی بهشهر در مقابل فرمانداری رژیم در این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. تجمع کنندگان گفتند چندین ماه است که حقوق آنها پرداخت نشده است.

**۶ دی: کارگران شرکت پونل پاکدشت اعتصاب کردند**

روز دوشنبه کارگران شرکت پونل در پاکدشت در اعتراض به حقوق معوقه و عدم دریافت سایر مطالبات در ساعت ۱۰ صبح دست از کار کشیدند و با تجمع در محل غذاخوری این شرکت به مدت یک و نیم ساعت اعتصاب کردند. یک نفر که در این اعتصاب شرکت کرده بود گفت: ما سه ماه است حقوق نگرفته ایم. مگر باحقوقی که مادریم و توری که هست می توان پس اندازی داشت. این حقوقی که وزارت کار به عنوان پایه حقوق تصویب کرده است یک سوم مایحتاج اولیه مارا هم جواب نمیدهد و حالا وقتی همین حقوق را هم نمیدهند دیگر ما چکار می توانیم بکنیم. روز ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ آذر هم اعتصاب کردیم اما هیچ کس جوابگوی ما نیست.

**۸ دی: تجمع اعتراضی آمیز لنج داران استان بوشهر در مقابل استانداری**

بیش از ۵۰۰ تن از لنج داران استان بوشهر روز پنجشنبه غدی، در اعتراض به لغو قانون ته لنجی مقابل استانداری در بوشهر تجمع کردند. این لنجداران که بیشتر اهل دلواری بودند تا پیش از لغو این قانون توسط دولت می توانستند در سفر به کشورهای حوزه خلیج فارس مواد غذایی و پوشاک مورد نیاز خود را بدون پرداخت تعرفه گمرکی تهیه کنند. اعتراض کنندگان گفتند: لغو این قانون ۱۴ هزار خانوار مرزنشین استان آذربایجان تا دیلم را با مشکل مواجه کرده است.

**۱۰ دی: تجمع اعتراضی بیش از دویست تن از کارکنان پالایشگاه نفت آبادان**

بیش از دویست تن از کارکنان رسمی پالایشگاه آبادان روز چهارشنبه در مقابل این پالایشگاه تجمع کردند. تجمع کنندگان خواستار واگذاری منازل

مسکونی به کارکنان رسمی شدند. معترضان گفتند: ما بین ۲۵ تا ۳۰ سال در شرکت پالایش نفت کار می کنیم و تاکنون صاحب خانه نشده ایم. شرکت پالایش نفت آبادان منازل سازمانی خود را به افراد غیر نفتی واگذار می کند و حاضر نیست تعدادی از این منازل را به کارکنان خود واگذار کند. بنا به خبر دیگری از آبادان روز چهارشنبه رانندگان تاکسیهای دوگانه سوز برای دومین روز متوالی نسبت به کاهش سرانه بنزین اعتراض کردند. رانندگان که بیش از ۲۰۰ نفر بودند، در مقابل فرمانداری رژیم در این شهر تجمع نمودند.

**۱۲ دی: تجمع کارگران شرکت قوه پارس در برابر وزارت صنایع و معادن**

تعدادی از کارگران شرکت قوه پارس به دلیل عدم دریافت ۱۸ ماه حقوق خود صبح امروز در مقابل وزارت صنایع و معادن تجمع کردند.

**فضای ملتهب و اعتراضی کارگران شرکت های مگاموتور و ایران خودرو دیزل در تهران به خاطر شرایط کاری شان در سرمای طاقت فرسای موجود**

مهشید مرادی: چهارشنبه بیست و ششم دی ۱۳۸۶ روز یکشنبه ۲۳، ۱۰، ۸۶ کارگران شرکت مگاموتور در تهران همراه با کارکنان دیگر متحداً با راه اندازی آتش در محوطه محل کارشان و جمع شدن دور آتش برای خلاصی از سرمای شدید تهران عملاً دست از کار کشیدند. پیمان کار شدیدا به این اقدام کارگران که از شدت سرما صورت گرفت برخورد کرد و می خواست مانع آنها گردد. این اقدام منجر به یک درگیری لفظی و اعتراضی بین کارگران و این کارفرما شد. کارگران با توجه به سرمای شدید و طاقت فرسا خواهان این بودند که اجرای کارهای داخل را در طول سرما در دستور کار گذاشته شود و کارهای محوطه بیرونی به بعد از عادی شدن سرما موکول گردد. کارگران می گفتند ما در شرایط نرمال که مریض میشویم حقوق به ما نمیدهد. بیمه نیستیم که از مزایای بیمه درمانی استفاده کنیم. وقتی که هزینه درمان فوق العاده بالا است اگر مریض شویم چه کسی به دادمان میرسد. کارفرما به این خواسته به حق کارگران وقتی نگذاشت و از حرف خود کوتاه نمی آمد و همین باعث اعتراض این کارگران گردید. همچنین طبق گفته یک شاهد عینی کارگران ایران خودرو دیزل روز یکشنبه نسبت به کار در شرایط سرمای طاقت فرسا ناراضی بوده اند و خواهان رفع این شرایط ظالمانه شده اند. یک فعال حقوق کارگران طی یک اظهار نظر در این رابطه گفت: وقتی که

حکومت سیاست هایش، ضدکارگری است و تشکل های مستقل کارگران را به رسمیت نمیشناسد، کارگران بدون حامی میمانند و کارفرمایان به پشت گرمی حکومت، حتی در شرایط سرمای طاقت فرسا ی کنونی ایران قصد استثمار آنها را دارند.

**پیروزی کارگران کارخانه شادریس**

دی ماه ۸۶

مطلع شدیم که کارگران کارخانه شادریس بعد از اعتصاب خود با تلاشهای و پیگیریهایی که کردند بالاخره توانستند بر جبر و تهدید ها فائق آمده و حقوق خود را دریافت کنند. هرچند هنوز حقوق یک ماه پرداخت شده است اما این هم بیانگر این است که پیروزی جامعه کارگری با اتحاد کارگران به دست میاید.

ما به این دوستان تبریک گفته و این پیروزی را مدیون پشتیبانی و همیاری و همکاری آنها میدانیم. این کار نشان داد که همه کارگران میتوانند کارخانه شادریس و کارگران زحمتکش آن را الگو قرار داده و اگر از تهدید ها و تطمیع ها نترسیده و این ارباب ها خللی در عزم آنها برای به دست آوردن حقوق به حق خود به وجود نیآورد، جامعه کارگری ما میتواند به اعتلا و پویای برسد.

کارگران ویاران

هر جا که دستی به داد و ظلمه خواهی بلند میشود باهمدستی هم و یاری هم میتوانیم داد را از دادگر ستانده و حق را به حقدار برسانیم پس باید همه با هم متحد شویم، این کارگران خود هستند که میتوانند سرنوشت خود و بقیه را رقم بزنند.

درد بر آزادی، درد بر کارگر

کمیته کارگری پویا

**ادامه فشار بر روی کارگران زحمتکش کارخانه آزمایش مروذشت**

روز پنجشنبه سیزدهم دی ۱۳۸۶ سایت کمیته کارگری پویا گزارش زیر از الهه کریمی را منتشر کرد.

در پی اعتصاب یک هفته ای کارگران کارخانه آزمایش و حکم اخراج ۴۰ تن از کارگران این کارخانه صحبتی با چند تن از کارگران این کارخانه داشتیم که از لحاظ روحی و جسمی بسیاری از این کارگران در وضعیت بدی قرار دارند.

یکی از کارگران که صاحب دو فرزند خردسال می باشد بدلیل فشار زیاد سخته کرده و درحال حاضر در بخش سی سی یو بیمارستان بستری میباشد. کارگران حتی قادر به پرداخت هزینه بیمارستان نیستند.

بقیه در صفحه ۱۵

## مروری بر رویدادهای جهان در سال ۲۰۰۷

جعفر پویه

سال ۲۰۰۷ با همه فراز و فرودهایش به پایان رسید. سیر حوادث در این سال به گونه ای بود که بسیاری از رویدادها پایان نیافت بلکه دفتر آن گشوده ماند تا با ادامه داشتن در آینده تعیین تکلیف شود. به نظر می رسد این اتفاقات سرآغازی هستند برای ادامه کشمکش در سال پیش رو. زیرا سیر حرکت وقایع به شکلی خود می نمایند که بیش از اینکه اتفاقی مقطعی باشند آغازی هستند بر یک روند.

در سال گذشته همچون سالهای قبل حوادث طبیعی بالای جان مردم فقیر شد و عده ای زیادی بر اثر گرما، سرما، برف، باران، سیل، طوفان و زلزله نه تنها خانه و کاشانه بلکه جان خود را نیز از دست دادند و برای همیشه دفتر زندگی غمبار و سراسر محنت آنها بسته شد. طوفان در بنگلادش این کشور فقر و بینوایی بیش از سه هزار و سیصد نفر را کشت و صدها هزار نفر را آواره و دربر کرد. شدت طوفان به حدی بود که گل و لجن بسیاری از روستاها را در خود مدفون کرد و اجازه دسترسی به کشته شدگان را نیز به بازماندگان نداد. مزارع روستائیان بطور کلی نابود شدند و با قطع همه راههای ارتباطی عده بسیاری از بی بی و گرسنگی جان خود را از دست دادند.

همزمان با بنگلادش در هند و نپال نیز سیل تلفات زیادی ببار آورد. به طوری که تنها در ایالت بیهار هند هفت میلیون نفر چندین روز در محاصره سیل ماندند، بدون این که امکان کمک رسانی به آنها فراهم شده باشد. در همین مناطق بیش از ۶۳۰ هزار هکتار از مزارع دهقانان تخریب شد و دسترنج آنان طعمه سیل گردید. بطور کلی بر آورد می شود حدود ۲۵ میلیون نفر در این حادثه آواره و بی خانمان شده باشند. شیوع بیماری هایی همچون مالاریا و تب دنگ به دلیل عدم امداد رسانی جان بسیاری را تهدید کرد که از آمار کشته شدگان به دلیل بی اهمیت بودن برای منابع خبری اطلاعی در دست نیست.

زلزله ای با قدرت ۷/۷ ریشتر در جنوب کشور فقیر پرو جان بیش از ۶۰۰ نفر را گرفت. از شهرهای کانت، شینشا و ایکا بیشترین خسارت گزارش شده است. در این حادثه ۷۶ هزار خانه تخریب شد و ۳۱۸ نفر ناپدید و ۱۷۶ هزار تن بی خانمان شدند.

در چین به دلیل شکسته شدن سدی بر روی رودخانه "ون" میلیون متر مکعب آب به سوی معدن زغال سنگی که در نزدیکی قرار داشت روانه شد. مهمان ناخوانده وارد معدن زغال سنگ گردید و ۳۶۲ کارگر معدنی را که در اعماق زمین مشغول به کار بودند را غافلگیر کرد و کشت.

در ماه آگوست، توفان "دین" که "منطقه کارائیب" را درنوردید، در مکزیک ۳۰ نفر را قربانی کرد. در اوائل ماه سپتامبر نیز "توفان فلیکس" دست

کم یکصد تن را نیکاراگوآ و هندوراس به قتل رساند.

در شمال اروپا در تابستان گرما بیداد کرد و عده بسیاری را کشت. تنها در کشور مجارستان ۵۰۰ نفر جان خود را از دست دادند و در کشورهای رومانی، بلغارستان، یونان و کرواسی نیز تلفات بسیاری ببار آورد.

در جنوب ایتالیا نیز آتش سوزی خسارت زیادی به جنگلها وارد کرد. دو نفر در این آتش سوزی جان خود را از دست دادند و آتش مسافران تابستانی سواحل زیبای جنوب ایتالیا را فراری داد.

در یونان منطقه باستانی پلپونزی در اواخر ماه آگوست دچار آتش سوزی شد و بیش از ۲۰۰ هزار هکتار درختان جنگلی و باغات زیتون آن بکلی در آتش سوختند و نابود شدند. در این آتش سوزی دوازده روزه ۶۷ نفر جان خود را از دست دادند و ۸۰۰ خانه تخریب شد.

به غیر از حوادث طبیعی که از آسمان بر خان و مان مردمان فقیر بارید و خسارت جانی و مالی فراوانی به آنان وارد کرد، همزمان زمینی مرگ آفرینان آسمانی نیز بیکار نبودند. باران برب و خمپاره و موشک بر خانه های بسیاری بارید و ترس و وحشت را به متنها اعلائی خود رساندند. از جانب دیگر کماندوهای مرگ و سربازان قتل و کشتار ایدئولوژیک دستجات مذهبی نیز بعنوان دستیار عزرائیل زحمت فراوانی کشیدند و تا می توانستند از کشته مردمان پشته ساختند. سربازان گمنام امام زمان رژیم جمهوری اسلامی نیز با حمله های شبانه روزی شکنجه های با نام و بی نام خود را رونق دادند و با دستگیریهای وسیع زندانهای رژیم دینی را از فعالان سیاسی و اجتماعی انباشتند. گماشتگان استبداد در نیروی زمینی به مردم حمله کردند و تحت نام امنیتی اجتماعی، امنیت جانی و حیثیتی مردم را به خطر انداختند. بسیاری دستگیر کردند، در خیابانها مراسم کتک زنی به حد مرگ را اجرا کردند. به گردن بعضی ها آفتابه انداختند و به گردن عده ای تناب دار و در خیابانها گرداندند. مصاحبه های تلویزیونی نیز رونق داشت و از سربازان و نظامیان انگلیسی تا نمایندگان لابی آمریکاییها را به جلو دوربین کشاندند و برای مردم بینوایی که جرمانان زندگی کردن در رژیم جمهوری اسلامی است خط و نشان کشیدند. جالب اینکه بسیاری از دو ملیتی هایی که روانه داخل کشور شده بودند تا به عیادت مادران بیمارشان بروند در بیدادگاههای رژیم محکوم به زندگی در آن کشور شدند. با این حساب بیش از ۷۰ میلیون مردم ایران نادانسته محکوم به این مجازات هستند.

در سال گذشته همچون سابق بازار درگیری و جنگ در عراق دست بالا را داشت و هر روزه تعداد بسیار زیادی از

مردم بیگناه یا در انفجار بمب های ماشینی و یا کماندوهای مرگ و یا ضرب گلوله سربازان اشغالگر به قتل رسیدند. تکرار این اتفاقات و قتل ده ها نفر از اخبار رادیو تلویزیونها آنقدر کشته ها که گاه در هر انفجار بیش از صد نفر است دقت می کند. این عادی شدن قتل و کشتار در عراق و بی تفاوتی مردم در برابر آن آنقدر منزجر کننده است که باور آن برای هر انسان دردمندی مشکل است. اما این واقعیتی است که وجود دارد و باید بیش از هر چیز به حس انسانی و همنوع دوستی ای که آنچنان به محاق رفته که دیگر با هیچ خبر منزجر کننده ای تحریک نمی شود، افسوس خورد.

نیروهای آمریکایی در عراق در آغاز سال شش نفر از وابستگان رژیم را به جرم همکاری با تروریستها دستگیر کردند. در حالیکه رژیم اسلامی آنها را دیپلمات می نامید، ارتش آمریکا آنها را وابستگان به سپاه پاسداران می دانست که عملیات غیر دیپلماتیک را در عراق سرورسامان می دادند. این موضوع که تبدیل به یک بحران چند ماهه در بین طرفین شده بود پس از مدتها کش و قوس با آزادی تعدادی از آنها فروکش کرد.

اما رژیم جمهوری اسلامی توسط سپاه پاسداران در ماه مارس ۱۵ نظامی انگلیسی را در خلیج فارس دستگیر کرد و با کشاندن آنها به تلویزیون و مصاحبه اجباری نشان داد که برای بحران آفرینی از رقبای خود در منطقه دستکمی ندارد. این بحران که نزدیک بود به جاهای باریک کشیده شود در یک حرکت غیر منتظره با بخشش احمدی نژاد پایان یافت. نظامیان انگلیسی که ملیس به کت و شلوار نیز شده بودند با سوغاتی هایی که توسط رژیم به آنها داده شد روانه خانه شدند.

این جنگ و دندان نشان دادن طرفین در عراق و زور آزمایی هایی به شیوه نظامیان قلدر در نهایت با مذاکره آمریکا و رژیم تا حدی فروکش کرد. جمهوری اسلامی عراق را سهم خود از جنگ می داند و در آزادی واگذاری آن خواهان تضمین امنیت خود توسط آمریکا است. او که جا پای محکمی در عراق برای خود دست و پا کرده است و با توجه قدرت بسیج اش توسط جریانات وابسته ای همچون مجلس اعلا و احزاب شیعی توانسته است در پرآورد نیرو به طور جدی موی دماغ آمریکایی ها شود. به همین دلیل پس از مذاکرات فی مابین جریان وابسته به مقتدا صدر و جیش المهدی او که ادعای رهبری در عراق را داشت و سهم زیادی در گیری های قومی و قتل و کشتار مردم بیگناه توسط جوخه های مرگ خود داشت، دچار تیر غیب شده و به طور موقت خبری از او و دارو دسته اش نیست.

اما کار در عراق به هم اینجا ختم نگردید، در ماههای پایانی سال ارتش ترکیه پس از موافقت دولت نوری المالکی وابسته به رژیم ایران به شمال عراق لشکر کشید و موجب نگرانی دولت نیمه خودمختار کردها در شمال

گردید. جلال طالبانی رئیس جمهور کرد عراق نیز که حمله ترکها را با موافقت مالکی انجام شده بود را از چشم رژیم تهران می دید. قرار داد الجزایر را همچون صدام بار دیگر پاره کرد و آنرا بی اعتبار شمرد. این چرخش طالبانی از یک طرف موجب تعجب بعضی ها شد و از جانب دیگر تنها راه نزدیکی بود که پیر سیاست کردها در بغداد برای عقب نشینی ترکها در دسترس دید.

کشتاکش در واشنگتن نیز به علت نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری بر سر مساله عراق بالا گرفته است و تقریباً همه شعار خروج ارتش آمریکا از عراق را می دهند. اینکار چگونه ممکن است؟ پاسخی است که سیاستمداران ماکیاولیست تشنه قدرت به آن باید بدهند.

اما غم انگیز ترین اتفاق سال گذشته در منطقه فلسطینی به وقوع پیوست و آنهم کودتای حماس علیه دولت نیمه خودمختار فلسطینی بود که آنرا عملن به دو منطقه مجزا تقسیم کرد. حماس که در انتخابات سرتاسری توانسته بود دولت را بدست آورد به علت عدم کفایت نتوانست سرورسامانی به امور بدهد. بدیهی است که در چنین وضعیتی این وظیفه رئیس تشکیلات خودگردان فلسطینی می بود که با تعویض دولت سعی به حفظ موقعیت خود کند. اما حماس تن به سیاست محمود عباس نداد و با نیروی نظامی خود دست به اشغال غزه زد و عملن نیروهای ساف را به زور از آنجا بیرون راند. اسرائیل نیز با توجه به موقعیت پیش آمده دست به محاصره تمام و کمال غزه زد و عملن مردم بیگناه در گرسنگی و بیکاری گرفتار شدند. هرچند پس از این اتفاق اسرائیل سعی کرد با نزدیکی با محمود عباس و حمایت از او، حماس را تضعیف کند. اما همگان می دانند که این حرکت اسرائیل و دولت اولمرت نه به دلیل صلح خواهی بلکه یک حرکت سیاسی برای عقب راندن حماس و منزوی کردن آن است. سفرهای سیاسی وزیر امور خارجه آمریکا و پس از او جرج بوش به منطقه و تشکیل جلسات برای تبلیغ صلح نیز نمی تواند راه بجایی ببرد. زیرا آن چه امروز مردم فلسطینی بدان نیاز دارند صلح واقعی، کار و نان است نه کنفرانس صلح. اسرائیل نیز از یک طرف در کنفرانس صلح شرکت می کند و از جانب دیگر شهرک سازی در مناطق فلسطینی را ادامه می دهد. این یک بام و دو هوا سالهاست که سیاست اسرائیل است و به تنها چیزی که ختم نمی شود صلح در منطقه است. افغانستان نیز در سال گذشته صحنه گرم زد و خورد بین نیروهای طالبان و اشغالگران بود. ارتش آمریکا و متحدانش که تا مدتها بازگشت طالبان را حاشا می کردند، وقتی با دست بالا داشتن آنها در بسیاری از مناطق روبرو شدند، مجبور به اعتراف گردیدند. حمله های بدون هدف نظامیان اشغالگر بیش از اینکه نیروهای طالبان را هدف قرار دهند مردم بیگناه را به قتل رسانند و بقیه در صفحه ۷

## مروری بر رویدادهای جهان در

سال ۲۰۰۷

بقیه از صفحه ۶

این باعث درگیری حتما در دولت دست نشانده کارزای شد. دولت به ظاهر قدرتمند مرکزی کرزای آنچنان در سال گذشته درمانده طالبان شد که نتوانست قدرت آنها را نادیده بگیرد و بارها کرزای از طالبان دعوت به مذاکره و کنار گذاشتن اسلحه و سیاسی کاری کرد. در ماه فوریه همزمان با دیدار دیگر چنی از پایگاه امریکا در افغانستان یک بمب گذار انتحاری خود را منفجر کرد و بیش از ۲۰ نفر را کشت. و در ماه نوامبر در عملیاتی مشابه در شمال کشور بیش از ۵۰ نفر از جمله چند نماینده پارلمان کشته شدند. در ماه ژوئیه ۲۳ نفر از شهروندان کره ای توسط طالبان به گروگان گرفته شدند. نیروهای طالبان با به قتل رساندن دو نفر از آنان دولت کره را وادار به مذاکره کرد. این مذاکره در روستاهای غزنی اتفاق افتاد و پس قول دادن دیپلماتهای کره ای طالبان گروگانها را آزاد کرد. این مذاکره به معنی به رسمیت شناسی طالبان توسط کره برآورد شد و طالبان در عمل نشان داد که در منطقه دست بالا را دارد و نظامیان تا دندان مسلح، محلی از اعراب ندارند.

در روزهای پایانی سال دولت انگلیس اعلام کرد که مرکز منطقه ای خود را از عراق به افغانستان منتقل می کند. گردون براون با سفر به کابل اعلام کرد اعتبار ویژه ای برای افغانستان به ویژه موسا قلعه در نظر گرفته است. موسا قلعه یکی از مرکز قدرت طالبان است. پس از گردون براون، سرکوزی رئیس جمهور فرانسه، پرودی نخست وزیر ایتالیا و کوین راد نخست وزیر استرالیا به افغانستان سفر کردند تا زهر ضربه طالبان را بگیرند و وعده های سالهای گذشته را بار دیگر تکرار کنند. اما آیا این برو بیاه می تواند تأثیری در کم کردن قدرت طالبان بگذارد؟ سوالی است که در عمل جواب مثبت دریافت نمی کند.

پاکستان در همسایگی افغانستان چنان سال پرتنش را پشت سر گذاشت که از نظر درجه شدت بحران گاه از رژیم جمهوری اسلامی نیز بالاتر رفت. ژنرال مشرف که تصمیم دارد به هر شکل ممکن قدرت را حفظ کند و آنرا از دست ندهد، دست به هرکاری زد. بازی دموکراسی ژنرال تشنه قدرت را چنان به رقاصی واداشت که نه تنها با لباس نظامی خدا حافظی کرد، بلکه حاضر شد قانون اساسی کشورش را نیز به حالت تعلیق در آورد. در گیری از ماه مارس با نزاع بین مشرف و قاضی چدهری رئیس دیوان عالی پاکستان شروع شد. تلاش مشرف برای برکناری قاضی افتخار محمد چدهری ناکام ماند و درگیری بین هواداران دو طرف منجر به قتل بیش از ۴۰ نفر در کراچی شد. موضوع به دادگاه رفت و قاضی به نفع چودهری رای داد. اما مشرف آرامش نیافت زیرا با گروگان گرفتن عده ای

توسط طلبه های مسجد لعل در اسلام آباد بحران عظیمی از راه رسید که نزدیک بود کار مشرف را یکسره کند. هرچند گروگانها با مذاکره آزاد شدند و طلبه های مسجد لعل نتوانستند آنها را به شیوه خود تنبیه کنند، اما این آغازی بود برای برچیدن بساط خودمختاری آنها در کنار گوش یک دولت نظامی. طلبه های مسجد که مسلح بودند حاضر به پذیرش شرایط دولت برای خلع سلاح نشدن و ارتش آنها را محاصره کرد. زد و خورد سنگینی در چند روز برقرار شد و در نهایت ارتش توانست طلبه ها را یا در مسجد به قتل برساند و یا آنها را از آنجا براند. بنا به اخبار غیر موثق این درگیری بیش از هزار کشته در برداشته است. اما بطور رسمی آماری منتشر نشد و ارتش سعی کرد همچون موارد دیگر در مورد تعداد کشته ها سکوت کند.

نواز شریف نخست وزیری که با کودتای مشرف از کار برکنار شده بود به کشور بازگشت اما نیروهای امنیتی او را همچون بسته پستی ای که آدرس اشتباهی دارد به عربستان باز پس فرستادند. اما بازگشت بی نظیر بوتو دیگر نخست وزیر سابق به اتفاق همسرش آقای ده درصدی با استقبال پرشکوهی روبرو شد. انفجار بمبی در مراسم استقبال هرچند عده زیادی را به کشتن داد اما عزم بی نظیر بوتو برای شکست دادن مشرف را سست نکرد، آنچنان که مشرف پس از چند روزی مجبور به زندانی کردن او در خانه شد. سپس در حالی که چند روزی به پایان عمر مجلس باقی نمانده بود، مشرف با رای آن خود را رئیس جمهور کرد. این موضوع باعث اعتراض زیادی شد و رسیدگی به شکایت مخالفان مشرف که می گفتند؛ همزمانی ریاست جمهوری و فرماندهی ارتش بر خلاف قانون اساسی است، در دادگاه عالی پاکستان به درازا کشید. مشرف از موضوع عصبانی شد و نه تنها قانون اساسی را تعلیق بلکه قاضی چدهری را برکنار و دیوان عالی را تعطیل کرد. اعتراض گسترده به خودسری مشرف پاکستان را فرا گرفت و پس از ۴۰ روز او مجبور به لغو وضعیت فوق العاده شد. شاید بدترین اتفاق سال گذشته در روزهای پایانی سال در پاکستان اتفاق افتاد و بی نظیر بوتو مادر خوانده باندهای اسلامی ای همچون طالبان ترور شد. تا کنون هیچ گروهی مسئولیت این ترور را به عهده نگرفته و بعضی از انگشتها به طرف مشرف اشاره دارد. بی نظیر بوتو که از او بعنوان یکی از امیدهای دموکراسی در پاکستان نام برده می شود، با مرگ خود نیز ثابت کرد به تنها چیزی که نمی اندیشید دموکراسی بود. زیرا چند روز پس از خاکسپاری بنابه وصیت او پسرش جانشین مادر شد و رهبری حزب مردم را به عهده گرفت. حزب در نظر بی نظیر بوتو همچون املاک خانوادگی اش موروثی است. به همین دلیل او قبل از مرگ رهبری آنرا نیز خودش تعیین کرد تا وفاداریش به سنت فتووالی خانوادگیش را ثابت است.

رژیم ولایت فقیه در ایران به ریاست جمهوری احمدی نژاد سوار بر امواج باد آورده پترو دلارهایی که خیر و برکت جنگ در منطقه است یکی از خیر ساز ترین کشورهای جهان بود. ظاهر می شود اینگونه گفت که کمپانی های نفتی بر اثر جنگ در منطقه نفت خیز خاورمیانه بار خود را بستند و در روزهای پایانی سال موفق شدند تا این مطاع حیاتی را به ۱۰۰ دلار معامله کنند. زبان اینکار که از جنگ خانمانسوز عراق بر می خیزد نه تنها خان و مان عراقی ها را بر باد داد، بلکه رشد سرسام آور بهای نفت دست در سفره مردم جهان کرد و هر آنچه می توانست را از آنها سولفید. جمهوری اسلامی نیز دست مزد همکاری خود در همکاری در جنگ عراق و افغانستان با امریکا را از قبل همین بهای گزاف نفت دریافت کرد. دلارهای باد آورده اسب چموش قدرت رژیم را به یکه تازی انداخت و کار تا جایی بالا گرفت که برای همه جهان شاخ و شانه کشید. از برکت وجود همین دلارها از امریکای لاین تا فلسطین و از آفریقای فقیر تا جنوب آسیا دست به یار گیری زد و با بزل و بخشش آنها چاوز و مورالس و اسماعیل هنیه و ... را به تهران کشاند و پس انداختن عکس یادگاری حامیان خود را به رخ دیگران کشید.

دستگیری تروریستهای ارسالی آنها در عراق بحران قدرت منطقه ای شان را به چالش گرفت و سپاه سعی کرد تا با دستگیری ملوانان انگلیسی جبران مافات کند که تا موفق از گروگانگیری به درآمد. پالیای طبیعی در ایران به همکاری رژیم برای نابودی خانه و زندگی مردم آمد و به غیر از سیل و زلزله، برف زمستانی چنان مردم را آزار داد که تا هم اکنون مشکل آن حل نشده و کار بالا گرفته است.

بحران اتمی رژیم بعد یک قطعهنامه و اخراج لاریجانی از تیم مذاکره کننده نه تنها فرکش نکرد بلکه می رفت که تا در موقعیتی قرار گیرد که خروج رژیم از آن بسا امکان ناپذیر شود. که دست غیب از آستین سازمانهای اطلاعاتی امریکا بدر آمد و همچون ناجی آسمانی، اعلام کردند که رژیم پروژه اتمی خود را متوقف کرده و خطری از جانب آن فعلن موجود نیست.

به برکت همین امداد غیبی فعلن رژیم نفس راحتی کشیده و سعی می کند تا با همکاری در عراق جبران مافات کند. رابطه رژیم با اتحادیه اروپا نیز در سال گذشته روز بروز بدتر شد و علاوه بر تحریم های سازمان ملل اروپا خود مواردی را بر تحریمها افزود و با جمهوری اسلامی به کشاکش پرداخت. محدودیت های اعمال شده توسط آلمان و فرانسه بیش از آنچه شد که تا کنون بود و انگلیس نیز سعی دارد تا در این میانه ماهی خود را از کشمکشها بگیرد. درگیری دیپلماتیک و مسئله دار شدن مأموران سفارتها نیز بر همه اینها افزوده شد. اما با همه اینها در ماههای پایانی سال تروریست زندانی و قاتل رهبران کرد کاظم دارابی و همدست لبنانی او را آلمانی ها آزاد کردند.

بسیاری را عقیده بر این است که آزادی دارابی و دیگر تروریستها حاصل زدوبندهای پشت پرده بین رژیم جمهوری اسلامی و دولت آلمان است. تحریم و سخت گیری و محکوم کردن نقض حقوق بشر توسط آلمان و آزاد کردن تروریست های صادراتی با هم جور در نمی آید و در موارد بسیاری ناخوانی دارد. علت آن چیست؟ علت را باید در معادلات سیاسی حاکم بر روابط بین الملل و دو کشور جستجو کرد.

در سال گذشته بازار فروشندگان اعضا بدن به ویژه کلیه در ایران گرم بود و طبق آمارهای دولتی بیش از ۵/۲ میلیون دانش آموز ایرانی ترک تحصیل کردند. چوبه دار اعدام های خیابانی همچنان برپا بود و در شهرهای مختلف برای مرعوب کردن مردم رژیم تا می توانست کسانی را دار کشید. در یکی از کشورهای صادر کننده نفت در جهان بنزین کوبی شد. در روزهای اول مردم با برگزاری تظاهرات های اعتراض آمیز با مأموران رژیم به زد و خورد پرداختند. چندین پمپ بنزیم به آتش کشیده شد و چندین نفر در تیر اندازی مأموران کشته شدند. اما پر عجیب نیست که در دولت احمدی نژاد با سابقه ای که در زمان شهرداری تهران داشت که ۳۰۰ میلیارد تومان گم شد و کسی نتوانست آنرا پیدا کند؛ اعلام شد که حدود ۲۰ میلیارد دلار از محل فروش نفت گم شده زیرا به صندوق دولت واریز نشده است. کسانی به امید دریافت مژگانی مشغول جستجو برای پیدا کردن این مبلغ دندانگیر هستند.

در اروپا نیز دو سیاست مدار کهنه کار عوض شدند و تازه کارها ادامه کارهای باقی مانده را به عهده گرفتند. ساکوزی در فرانسه جانشین شیراک شد و بلر با بیرون رفتن از قدرت جای خود را به گوردون براون داد.

در فرانسه ساکوزی بار دیگر مشکل حاشیه نشین ها سر باز کرد و حومه پاریس چند روز در اشغال جوانان عاصی حاشیه نشین بود. پس از آن بی خانمانها با همکاری فعالان اجتماعی موضوع روز شدند و در خیابانها خیمه های خود را برپا کردند. سپس اغتشاب کارکنان بخش خصوصی و دولتی بالا گرفت و روزهای متمادی فرانسه و به ویژه پاریس بدون حمل و نقل عمومی بود. صدها هزار نفر به دعوت اتحادیه های کارگری دست به اعتصاب زدند و بیش از دو هفته ادارات بخش خصوصی و دولتی را فلج کردند.

در انگلیس با تغییر نخست وزیر تغییر چندانی در سیاست کلی احساس نمی شود، اما بحث اسلامگرایی و کش و قوس دولت با مهاجران عمدتین مسلمان با اهم قانون همچنان ادامه دارد.

در اروپای شمالی تلاش برای تکه پاره کردن کشورهای به ظاهر استقلال یافته ادامه داشت و سازمان ملل همچنان ناظر میدان است بدون اینکه حرکتی در جهت فلسفه وجودی انجام دهد.

اما در این سال بیشترین موج بحران بخش های سیاسی، اقتصادی و

بقیه در صفحه ۱۵

## جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی

در این شماره می خوانید:

- از کنگره ملی آفریقا چه خبر؟

- سیستم غذایی جهان

- سر پیچی از پیمانهای بین المللی

پاکسازی مینها، نابودی و منع

بمبهای خوشه ای و... پاکسازی

مینها

## از کنگره ملی آفریقا چه خبر؟

در اواخر ماه دسامبر سال ۲۰۰۷، طی ۳۶ ساعت پروسه انتخاباتی در کنفرانس کنگره ملی آفریقا، جاکوب زوما به ریاست کنگره ملی آفریقا برگزیده شد و رقیب خود تائو امبیک، رئیس جمهور وقت را کنار زد. این در حالیست که تفاوت رایهای متعلق به این دو، هزار رای بود. ۵ پست عالی بعدی نیز با همین فاصله نصیب کمین زوما شد.

با انتخاب زوما اختلافهای شدیدی که در رهبری کنگره ملی آفریقا در اثر رشد عمیق بحرانهای اجتماعی به وجود آمده است، آشکار گردید. اگر چه هیچیک از این دو، راه حلی اساسی و جدی برای غلبه بر مشکلات روزافزون جامعه ارایه ندادند. در واقع، رقابت سرسختانه آنها با یکدیگر بیشتر، وورشکستگی برنامه های کنگره ملی آفریقا را برجسته کرده است.

بیش از نیمی از جمعیت این کشور در فقر به سر می برند. شکاف بین فقیر و ثروتمند هر روز عمیق تر می شود. البته از دیدگاه سرمایه داران، آفریقای جنوبی نمونه موفق می باشد. تولیدات داخلی در هفت سال گذشته سالانه رشد ۵ درصدی را دارا بوده است، با این همه اکثریت مردم از آن بهره ای نبرده اند.

پیروزی زوما بر امبیک، سرمایه داران و تجار را یکسره غافلگیر کرد. دلواپسی این عده به تنهایی وسعت و شدت فاصله ای را که کنگره ملی آفریقا از توده های مردم داشته است به تصویر می کشد.

زوما که از جانب اتحادیه تجاری (COSATU) و حزب کمونیست آفریقای جنوبی (SACP) حمایت می شود، توانست برای جمع آوری رای بیشتر، از حمایت طبقه کارگر به ویژه در شهرها و مناطقی که مخالفت شدیدی با سیاست بازار آزاد کنگره ملی آفریقا (ANC) دارند، بهره گیرد.

دو گروه اپوزیسیون یاد شده، نخست رهبری شاخه های منطقه ای ANC را به دست گرفتند. هر شاخه، یک نماینده به کنفرانس می فرستد. این در حالی است که ۷۰ درصد اعضای حزب کمونیست آفریقای جنوبی (SACP) را جوانان زیر سن ۳۵ سال تشکیل می دهند، همین افراد بودند که توانستند عناصر محافظه کار و قدیمی را کنار

برانند. یکی از مهمترین اقدامهای حزب کمونیست این بود که در کنفرانس سالانه خود در ماه ژوئیه، سیاست حمایت از بازار آزاد امبیک را مورد انتقاد قرار داد و با دادن فراخوان "سوسیالیست"، کنگره ملی آفریقا را دگرگون کرد. در واقع این شعارهای تند و تیز، زمینه پیروزی زوما را فراهم ساخت.

به طور رسمی، امبیک تا سال ۲۰۰۹ در مسند ریاست باید باقی بماند اما احتمال دارد که با بالاگیری اختلافها و اعتراضهای گسترده کارگری، چرخش و جابجایی قدرت زودتر از موعد مقرر صورت گیرد.

در همین گیر و دار و اختلافات، دو طرف یکدیگر را به فساد مالی متهم می کنند. امبیک به تازگی زوما را به فساد و تجاوز متهم کرده بود، به طوری که کلمه موتالانت، زندانی سیاسی دوران آپارتاید، خود را از پیش برای جنگ قدرت آماده می کند تا در صورتی که امبیک، زوما را به زندان روانه کند، جای او را پر کند.

از سوی دیگر، روز ۱۲ ژانویه سال جاری، جکی سلیبی که از متحدان تائو امبیک است و ریاست پلیس بین المللی (اینترپل) و همچنین ریاست پلیس آفریقای جنوبی را نیز در دست داشت، به اتهام فساد از سمت خود در اینترپل استعفا داد. این در حالی است که رییس جمهور آفریقای جنوبی درخواست اخراج جکی سلیبی را رد کرده و به طور موقت ریاست وی بر پلیس کشور را به حالت تعلیق درآورد.

در واقع باید گفت که این اتهامات چندان هم بی مورد نیست. تمامی اعضای رده بالای کنگره ملی آفریقا با استفاده از قدرتی که دارند منافع سرشاری را نصیب خود کرده اند. رهبران میلیشیای کنگره ملی در حال حاضر میلیونهای تاجری هستند که در صندلی ریاست کمیتههای بزرگ جهانی می نشینند اما حال که در مبارزات انتخاباتی و به دست گرفتن قدرت در برابر هم قرار گرفته اند، به افشای یکدیگر پرداخته اند. بی شک این امر موجودیت و صلاحیت ANC را خدشه دار کرده است.

باید توجه داشت که با وجود اختلافهای عمیق در درون ANC، تفاوتهای بنیادی در دیدگاه های آنان وجود ندارد. حزب کمونیست آفریقا (SACP) از دهه ۵۰ از حامیان کلیدی ANC بوده است و اکنون به نظر می رسد با توجه به رشد اعتراضات مردمی نیاز به دادن شعارهای چپ و داشتن چهره معترض را احساس می کند و از این راه برای آرام کردن اعتراضات و ادامه حیات ANC تلاش می کند.

دولت امبیک به تعهداتی که به بانک جهانی داده همواره پایبند بوده است. این بدین معناست که بنا به توصیه های این بانک، نرخ بهره و تورم بالا و پایین رفته است. همچنین هزینه ای که صرف پروژه های جدید می شود، تنها محدود به پروژه های ویژه ای که منافع مردم را در نظر ندارد می شود، از جمله ساخت استادیوم برای جام جهانی فوتبال سال ۲۰۱۰.

رشد و توسعه ای که در آفریقای جنوبی از آن صحبت می شود، در مسیری حرکت کرده است که این کشور را به مرکز سرمایه گذاری تبدیل کرده است. بنابراین، درجه بالاتر رشد به معنای جذب بیشتر سرمایه گذاری است که این نیز خود بدان معنی است که شکافهای اجتماعی بیشتری در راه است. رشد به خودی خود مشکل اساسی نیست بلکه، مالکیت است که ایجاد اشکال می کند، آنهم در حالی که اقلیت کوچکی صاحب کمپانیها، معادن، کارخانه ها و بانکها می شوند. در این حالت ثروت در دست عده ای جمع می شود در حالی که اکثریت مردم زحمتکش این کشور که ثروت به دست آنان و از راه کار و کوشش آنان تولید می شود، به سمت فقر بیشتر کشیده می شوند.

از این روست که پیروزی زوما بر امبیک با فاصله زیاد این پیام را برای امبیک دارد که در حالی که در مسند ریاست جمهوری با اطمینان تکیه زده، از خواست جامعه بی خبر و دور مانده است. همینطور، این واقعیت که زندگی پر جاه و جلال طبقه حاکم و در دست داشتن ثروت هنگفت، از چشم اکثریت فقیر مردم این کشور پنهان نمانده است.

ان سوی معادله نیز زوما است که اگر چه چهره ای از خود به نمایش گذاشته است که گویا از مردم عادی جانبداری می کند، با این وجود جز تلاش برای تغییرات کوچکی در سیاستهای بازار برنامه دیگری ندارد. در واقع او در دورانی که معاون رییس جمهور بود هیچ انتقادی به امبیک و سمت و سوی سیاستهای اقتصادی او نداشت و هرگز مسیری را که ANC پس از دوران پایان آپارتاید می پیمود، به چالش نکشید. او در ماه های گذشته نیز با اعضا طبقه حاکمه آفریقای جنوبی ملاقاتهایی ترتیب داده است تا به آنها اطمینان خاطر دهد که در زمینه امور "پر اهمیت" دور برگشت نخواهد زد. هیچیک از دو گروه اپوزیسیون SACP و COSATU نیز اعلام نکرده اند که خواستار تغییرات اساسی در زمینه اقتصاد و رفتار دولت هستند. موتالانت به خبرنگاران یادآوری می کند که زوما پاداشی را برای این دو گروه که از او حمایت کرده اند در نظر ندارد.

حزب کمونیست آفریقای جنوبی نیز پس از پیروزی زوما به گفتن حرفهای ضد و نقیض پرداخت. این حزب که پیشتر از تغییرات سوسیالیستی سخن می گفت، تبلیغ توسعه اقتصادی در درون سیستم سرمایه داری را آغاز کرده است.

در زمینه اقتصادی آن بخش از اهداف زوما که متفاوت با امبیک است نیز ماهیتی ارتجاعی داشته و برای منافع اکثریت مردم عادی مضر است.

مهمترین اهمیتی که تحولات اخیر از جمله انتخاب زوما در بر دارد، همانا بروز تضاد بین این دو است که برای آفریقای جنوبی و کنگره ملی آفریقا نمادی سیاسی و نقطه عطفی تاریخی به شمار می رود.

برای مدت ۱۳ سال، ANC به عنوان دولتی که اتحاد ملی را برقرار می کند شناخته می شد و تضادهای درونی آن گفته و محفوظ مانده بود. انشعاب زوما - امبیک حاکی از این امر است که کنگره ملی آفریقا آن گونه که هنگام به قدرت رسیدن نلسون ماندلا بود یعنی، جنبشی که این سرزمین را رهبری کرد نیست و طی سالها حکومت تبدیل به حزب حامی تجار بزرگ شده است و نمی تواند ادعا کند که متعلق به مردم زحمتکش شهر و روستا است.

اکنون این فرصت برای زحمتکشان به وجود آمده است که به میدان بیایند. آنها می توانند خود را به طور سیاسی آماده دفاع از منافع خود کنند و این تشخیص را بدهند که تضادهای درون حکومت بر سر دفاع از این منافع نیست؛ موضوعی که بدون شک آنها را در برابر طبقه حاکمه قرار خواهد داد.

## سیستم غذایی جهان

"به زودی طبیعت دیگر نمی تواند نیازهای غذایی ما را تأمین کند"، دو هزار سال پیش کواپنتوس سیتیموس ترتولیا ناس، یک سیاستمدار رمی در حالی این هشدار را داد که تنها اشاره به بخش کوچکی از جهانی بزرگ با جمعیتی ناچیز می کرد. این تهدید نه در آن زمان و نه اکنون هرگز جدی گرفته نشده است.

امروز ما در جهانی کوچکتر با جمعیتی بیشتر زندگی می کنیم و با وجود تمام پیشرفتهای علمی و وسایل مدرنی که برای کشاورزی و دامداری در اختیار داریم، حقیقت ۲ هزار سال پیش در برابر ما ملموس تر شده است. عدم امنیت غذایی، این پایه ای ترین نیاز انسان، خطراتی جدی را هشدار می دهد.

افزایش قیمت مواد خوراکی و کاهش تولید، انچنان سیستم جهانی غذا را از مسیر طبیعی منحرف کرده است که خطرات پیشبینی نشده و بی ماندی را در برابر میلیونها انسان در سراسر جهان قرار داده است.

سازمان مواد غذایی و کشاورزی وابسته به سازمان ملل از ازدیاد قیمت ۴۰ درصدی در سال جاری خبر می دهد. سال پیش این ازدیاد ۹ درصد بر آورد شده بود. این درحالیست که در سال جاری فقیر ترین کشورها ۲۵ درصد بیشتر به واردات مواد غذایی خود افزوده اند.

تناقض سیاستهای توسعه ای و آثار آن که شامل هجوم جمعیت به شهرها، ازدیاد تقاضا در کشورهای در حال توسعه کلیدی مانند چین و هند، عدم آگاهی دقیق نسبت به وفور محصولات در بازار، تبدیل برخی از محصولات کشاورزی مورد نیاز حیوانات به بیو فیول (سوخت) و تغییرات غیر منتظره آب و هوایی و فجایع طبیعی ناشی از گرم شدن کره زمین می باشد، از جمله دلایل ازدیاد قیمت مواد غذایی هستند. بنا به نوع و ماهیت آثار یاد شده می توان گفت که این مشکل فصلی و موقتی نیست و همچنان به رشد فزاینده خود ادامه خواهد داد.

بقیه در صفحه ۹



## جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۸  
افزایش قیمت مواد غذایی، نخستین صدمات را متوجه مردم فقیر جهان کرده است. بیش از ۸۵۰ میلیون انسان در سراسر جهان از گرسنگی مزمن و دیگر مصیبت‌های مربوط به آن به خاطر فقر رنج می‌برند. بنا به آمار داده شده از جانب FAO (سازمان مواد غذایی و کشاورزی)، ۳۷ کشور که شامل ۲۰ کشور آفریقای، ۹ کشور آسیایی، ۶ کشور آمریکای لاتین و ۲ کشور اروپای شرقی می‌شوند، در حال حاضر در بدترین شرایط ممکن بسر می‌برند. همچنین، فقیرترین انسانها که تا ۸۰ درصد درآمد خود را صرف تهیه پایه ای ترین مواد غذایی که شامل گندم و حبوبات است می‌کنند، با خطرات مرکزی رژیم غذایی نامناسب مواجه هستند.

در بسیاری از این کشورها مانند مراکش، ازبکستان، یمن، گینه، موریتانی و سنگال، اعتراضهای اجتماعی ارتباط مستقیم با کمبود مواد غذایی و گرسنگی داشته است. در مکزیک نیز هنگامی که قیمت آرد برای تهیه تورتیلا که غذایی اصلی مردم این کشور را تشکیل می‌دهد ۶۰ درصد بالا رفت، به تظاهرات و زد و خوردهای وسیعی انجامید. همچنین در ایتالیا بالا رفتن قیمت ماکارونی اعتراضها و تظاهرات سراسری را به دنبال داشت. اعتراضهای گسترده ای نیز در چین بخاطر کمبود روغن مصرفی صورت گرفت. مردم کشورهای عراق و افغانستان نیز در نتیجه تهاجم نظامی آمریکا و اشغال این دو کشور، به طور جدی دچار کمبود مواد غذایی شدند.

همچنین، کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز با کمبود شدید گندم مواجه هستند. در این کشورها، مردم بیشتر از ۷۰ درصد درآمد خود را صرف مواد غذایی می‌کنند. در سال جاری قیمت نان در قزاقستان ۵۰ درصد افزایش داشت. در بنگلادش هر ماه قیمت مواد غذایی ۱۱ درصد رشد کرده و قیمت برنج ۵۰ درصد افزایش داشته است.

کشورهای آمریکای مرکزی شاهد ۵۰ درصد رشد قیمت در خوراک حیوانات بوده اند. قیمت بالای گندم صادراتی و پرداخت مالیات صادراتی در این کشورها نیز به این مشکل افزوده شده است.

در کشورهای چون استرالیا و اوکراین به خاطر تغییرات آب و هوا، صدمات زیادی به تولید محصول گندم وارد آمده و در نتیجه بسیاری از کشاورزان در جنوب استرالیا زمینهای خود را فروخته اند

از سال ۲۰۰۳ در آمریکای شمالی استفاده از ذرت برای تهیه اتانول دو برابر شده است. قرار است این میزان از ۵۵ میلیون تن به ۱۱۰ میلیون تن تا سال ۲۰۱۶ افزایش یابد. در ماه دسامبر سال جاری، بوش قراردادی در زمینه انرژی امضا کرد که که بيو قبول داخلی را تا ۱۵ سال دیگر به ۵ برابر خواهد

رساند. در حال حاضر یک سوم از کشت ذرت به تولید اتانول اختصاص داده شده است. این میزان، کمبود ذرتی که بیشتر برای بازار جهانی اختصاص داده شده بود را به بار خواهد آورد. بررسی آمارهای داده شده، دو عامل فقر و بالا رفتن دمای کره زمین را در مشکل گرسنگی، بیماری و مرگ و میر ناشی از کمبود مواد غذایی و ازدیاد قیمتها توضیح می‌دهد.

تحقیقات اخیر حاکی از آنند که افزایش دما در ۵۰ سال آینده که به میزان ۱ یا ۲ درجه سانتیگراد پیش بینی شده است، سبب می‌شود که کشورهای فقیر مقدار قابل توجهی از زمینهای کشاورزی خود را به خاطر کمبود ریزش باران از دست بدهند. از سوی دیگر، علاوه بر تأثیرات گرمای زمین بر گیاهان، حیوانات نیز مبتلا به بیماری خواهند شد. در همین زمینه باید از دیاد حشرات و میکروبها نیز را نیز در مد نظر داشت.

طبقات حاکمه دریافته اند که افزایش قیمت مواد غذایی، بیماری و مرگ ناشی از آن را در پی داشته و این امر به اعتراضهای وسیع مردمی دامن زده است. از این رو دست به اقدامهای جزئی و موقتی زده اند. این اقدامها به آن دلیل که به مشکل اساسی توجه ندارد، نمی‌تواند معضل کمبود مواد غذایی را حل کند.

در پس تورم موجود، زنجیر پیچیده بازار جهانی و ناتوانی بنیادی سیستم سرمایه داری در حل نیازهای میلیونها انسان فقیر و زحمتکش جهان نهفته است. سیستم سرمایه داری و طبقه حاکمه کشورهای درگیر، برای اینگونه فجایع به هیچوجه آماده نیستند و توانایی جلوگیری از آن را ندارند.

## سریچی از پیمانهای بین المللی

## پاکسازی مین ها، نابودی و منع

## بمبهای خوشه ای و.... پاکسازی مینها

در دهمین سالگشت پیمان "اتاوا" پیرامون پاکسازی مینها، هنوز جای خالی یک سوم از کشورهای جهان در سپردن تعهد بدان خالی است. تا کنون بیش از سه چهارم کشورهای جهان این قرارداد را امضا کرده اند.

پیمان اتاوا در سال ۱۹۹۷ برای خنثی کردن ماده منفجره‌ای بسته شد که دارای تأثیرات دراز مدتی بوده و حتی پس از پایان جنگ به تخریب ادامه می‌دهد. بر اساس این پیمان، کشورهای امضا کننده به یکدیگر برای پاکسازی زمینهای آلوده به مین و همزمان در امر آموزش و خدمات پزشکی یاری می‌رسانند.

ایران اگرچه دومین کشور دنیا از لحاظ حجم مناطق آلوده به مین است اما همچون کشور اول این لیست، مصر، به پیمان اتاوا نیبوسته است. (۱)

دادن پاسخ "نه" به بسیاری از پیمانهای بین المللی روندی عادی برای جمهوری اسلامی و برخی دیگر از کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا

و آنهایی که به حقوق بشر اهمیت نمی‌دهند، تبدیل شده است.

ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی، پاکستان، مصر، چین و کره شمالی و جنوبی نیز از جمله کشورهایی هستند که این پیمان را نادیده گرفته اند.

ممکن است برخی از مردم در شهرهای مرکزی ندانند که در ایران به طور متوسط روزی سه نفر بر اثر انفجار مین کشته یا مجروح می‌شوند. در مرزهای غربی ایران از هر خانواده ای یک نفر قربانی مین شده است.

در سطح جهانی، سالانه بر اثر انفجار مین ۱۵ الی ۲۰ هزار نفر کشته می‌شوند که هزار نفر از این عده، ایرانی هستند. بر اساس آمارهای رسمی رژیم جمهوری اسلامی، هم‌اکنون ۱۶ میلیون مین خنثی نشده در ایران وجود دارد که بنا به اعلام دبیر ستاد پاکسازی اراضی آلوده به مین، بیش از دو میلیون هکتار از مساحت کشور را غیرقابل استفاده و خطرناک کرده است. بر اثر انفجار گاه و بی‌گاه این مینها، در طول هر شبانه روز، ۲/۲ نفر دچار مرگ یا معلولیت‌های دائمی می‌شوند. بنا به یک پژوهش دانشگاهی، در طول ۶ سال گذشته به صورت میانگین هر سال ۷ هزار حادثه انفجار مین در نقاط مختلف مرزی ایران رخ داده که ۹۵ درصد قربانیان آن، غیرنظامی و بین ۱۳ تا ۲۵ درصد کودک بوده‌اند. مناطق آلوده به مین به صورت عمده در شهرها و روستاهای پنج استان خوزستان، ایلام، آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه واقع شده است که در فاصله سالهای ۵۹ تا ۶۷ خطوط نخستین جنگ را تشکیل می‌دادند. اختصاص داشتن وجود و انفجار مین به این استانها که اکثرا جزو استانهای محروم نیز محسوب می‌شوند، باعث شده تا کمتر کسی به فکر حل مشکلات آنها باشد. همچون آمریکای شمالی که به بهانه های امنیتی، اقتصادی و موضوعات قانونی از تعهد به این پیمان سر باز زده است، در ایران نیز سالها مساله مین زدایی، امنیتی تلقی می‌شده و هر چند اعلام می‌شود که درهای پاکسازی به روی NGO ها باز است اما هیچ‌کس به سمت این مینها نرفته است.

طبق آخرین برآوردها، ۳۰۰ میلیارد تومان بودجه برای خنثی سازی مینها لازم شده تا پاکسازی ایران از مینهای زمان جنگ، ۵۰ سال به طول خواهد انجامید. گفته می‌شود که ارزش ساخت مین بین یک تا ۱۰ دلار است اما پاکسازی هر مین به هزار دلار بودجه نیاز دارد.

کویت را می‌توان یکی از موفقترین کشورهای در آسیا در امر مین زدایی به شمار آورد که با وجود سطح بالای تراکم در بعضی مناطق، با دخالت وزارت دفاع آمریکا (به دلیل نیاز به پاکسازی مناطق نفتی) پیشرفت چشمگیری داشته است. کوووز نیز توانست با حمایت مالی کشورهای اروپایی در مدت کوتاهی عملیات پاکسازی وسیعی را انجام دهد.

## حقوق مساوی برای افراد دارای

## نقص عضو

در ماه مارس سال ۲۰۰۷ در سازمان ملل متحد پیمان دیگری پیرامون حقوق بشر، برای امضا در برابر همه کشورهای جهان قرار گرفت. این پیمان که به کنوانسیون حقوق افراد از کار افتاده معروف است، تضمین کننده حقوق مساوی همه انسانهای سراسر جهان در برابر قانون می‌باشد. این پیمان به بویژه به کسانی که در اثر اصابت مین مجروح شده اند ( ۴۷۳ هزار نفر در سراسر جهان) و همچنین افرادی که در هنگام جنگ عضوی از بدن خود را دست داده اند، این فرصت را می‌دهد که بتوانند تا حدی زندگی از هم جدا نباشند.

با وجود آنکه تعداد امضا کنندگان این پیمان در همان روز اول در تاریخ سازمان ملل بی سابقه بود (۸۱ کشور) و تا کنون به ۱۲۳ کشور رسیده است، باز هم جمهوری اسلامی در کنار کشورهای کوچکی چون کامرون، چاد، فیجی، هاییتی و کشور دیگری که همواره از زیر بار امضای قراردادهای بین المللی سر باز می‌زند یعنی، آمریکای شمالی، قرار گرفته است. (۲)

در ماه دسامبر ۲۰۰۷ همچنین در وین کنفرانسی برگزار شد که بر سر پیمان بین المللی دیگری مبنی بر ممنوع سازی بمبهای خوشه ای گفتگو شد. بمبهای خوشه ای با ضربات غیر منتظره ای صدها بمب کوچکتر در منطقه ای وسیع پخش می‌کند که نخستین قربانیان آن مردم عادی هستند. ۱۳۰ کشور جهان با بستن چنین پیمانی موافت کردند. این در حالی بود که ایالات متحده آمریکا در این کنفرانس شرکت نکرده بود، کشورهای همچون آلمان، فرانسه و ژاپن نیز سعی کردند از غلظت مفاد آن بکاهدند و خواستار دورانی انتقالی پیش از اقدام نهایی شدند.

در سالهای اخیر، به کار گیری این نوع سلاح رو به افزایش گذاشته است. بنا به گزارش سازمان ملل، در سال ۲۰۰۶ ارتش اسرائیل دستکم ۱/۲ میلیون بمب خوشه ای در لبنان رها کرد. دیده بان حقوق بشر سازمان ملل می‌گوید که بیشتر این بمبها ساخت آمریکای شمالی بوده اند.

قابل ذکر است که ایالات متحده آمریکا با اینکه حاضر نمی‌شود به پیمانهای بین المللی تعهد بپردازد اما در برخی موارد مهمترین نقش را در اجرای آنان داشته است. برای نمونه، با وجود خودداری از امضای پیمان ممنوعیت و پاکسازی مین، بزرگترین پشتیبان مالی در پاکسازی آنها بوده است، اگر چه این اقدام بیشتر در مناطقی صورت گرفته که آمریکا دارای نفوذ بوده است، مانند کویت و مصر. همچنین، کنوانسیون سازمان ملل پیرامون حمایت از افرادی که به دلیل نقض عضو از کار افتاده اند، از طرحی که در سال ۱۹۹۰ در آمریکا به تصویب رسید، الهام گرفته است.

بقیه در صفحه ۱۵

## زنان کارگر

الف. آناهیتا

منبع: مجله اینترنتی بحران  
موقعیت زنان کارگر بعنوان ستمدیده ترین افراد طبقه کارگر تحت حاکمیت استبدادی - مذهبی ولایت فقیه بسیار ناگوار و غیرانسانی است. آنان از یکسو به مثابه جنس دوم تحت حمایت پدر، همسر و یا برادر خود هویت پیدا می کنند و فاقد هر گونه هویت مستقلی هستند. قانون از این تبعیض و مناسبات نابرابر در مورد زنان آشکارا حمایت می کند؛ اینگونه زنان کارگر مانند دیگر زنان اقشار و طبقات مختلف جامعه از حقوق دموکراتیک خود محروم می مانند. از دیگر سو به دلیل بحران اقتصادی ساختاری رژیم که برنامه هایی همچون تعدیل اقتصادی، انحصاری کردن هر چه بیشتر مراکز تولیدی و رانت خواری جهت تامین امنیت سرمایه داری انگلی محور اصلی آن را تشکیل می دهد می بایست فشار ستم طبقاتی را نیز متحمل شوند. اعمال سیاستهای ضد کارگری که فقر روز افزون، عدم تامین امنیت شغلی و رکود روزافزون دستمزدها را به وحشتناکترین شکل ممکن برای طبقه کارگر میهنمان فراهم کرده، مطمئناً موقعیت زنان کارگر را با توجه به تبعیض جنسیتی حاکم بیش از مردان مورد تجاوز قرار می دهد.

از آنجا که اصولاً تحت لوای قوانین مردسالارانه رژیم، زنان در تمام عرصه ها حقوقی نازلتر از مردان دارند میزان دستمزد زنان کارگر به مراتب کمتر از همکاران مرد آنهاست، زنان کارگر بر خلاف مردان کارگر از اکتساب شغل دوم و سوم معذورند زیرا بعنوان پاسدار خانواده می بایست نگهداری از فرزندان و کار خانگی را نیز انجام دهند.

در کارخانه ها و واحدهای تولیدی که اکثر به اتفاق کارگران آن را زنان تشکیل می دهند نه تنها از وجود مکانی برای نگهداری کودکان و دیگر امکانات رفاهی لازم خبری نیست، بلکه زنان از زمان کافی برای شیر دادن به نوزادان خود محروم می باشند. تشکلهای زرد وابسته به رژیم که خود را مدافع حقوق کارگران می دانند نیز مسلماً فقط از منافع صاحبان سرمایه و مدیران کارخانجات حمایت می کنند و هیچگونه اهمیتی به نیازهای واقعی و ابتدایی زنان کارگر نمی دهند و در واقع دست کارفرما را باز می گذارند تا ساعات شیردهی، مرخصی زایمان و غیره را به کلی نادیده بگیرند. بدین ترتیب زنان کارگر در صورت زایمان، کار خود را از دست می دهند و یا بدلیل زن بودن زودتر از همکاران مرد خود تحت تاثیر خطر بیکاری فزاینده قرار می گیرند. طرح

آگاهی رشد یافته زنان که اکنون روابط تولیدی حاکم را به چالش گرفته اند به مقابله بپردازد و آنان را هر چه بیشتر روانه کنج خانه کند و با محول کردن کارخانگی و « پاسدار خانواده نامیدن زنان » تفاوتی فاحش بین زن و مرد در رابطه با تولید قایل شود. از طرف دیگر با استفاده از همان ابزارها و تقسیم بندی جنسیتی کار اجتماعی، فعالیت مردان و زنان کارگر را در رقابتی بیرحمانه قرار دهد و بدین طریق نقش زنان را در پروسه تولید بپرنگ کرده و ارزشی کمتر از مردان برای آن قابل شود. اینگونه آنها ارزش اضافی حاصل شده از تولید را به نفع خود بیشتر افزایش می دهند.

در جامعه ای که ابزارهای سرکوب حاکمیت بطور مداوم کوچکترین صدای حق طلبی طبقه کارگر را به فجع ترین شکل ممکن به صورت آدم ربایی و زندان و شکنجه پاسخ می دهد، حتی تحمل مطالبات کارگران در چارچوب قوانین رژیم را ندارد و هیچ ارزشی برای حق تشکل آزاد و مستقل کارگری قایل نیست و همواره تلاش می کند قانون کار را با ترفند « اصلاح » به نفع کارفرما بیش از پیش تغییر دهد و بلاخره قانون کار نیز مانند تمام قوانین دیگر رژیم آنقدر سست و بی پایه است که کارفرما می تواند هر آن بطور قانونی از آن علیه منافع طبقه کارگر استفاده کند، سخن به میان آوردن از حقوق بی حقوق ترین افراد این طبقه همانا زنان کارگر که اصولاً حق اشتغال بیرون از خانه را ندارند و به قول مسوول دفتر امور زنان سپاه پاسداران رژیم « نقش اصلی تربیت فرزندان و گرم کردن کانون خانواده است » شاید چیزی فراتر از کفر در چارچوب رژیم ایدئولوژیک ضد زن و ضد کارگر ولایت فقیه به حساب آید.

اعمال سالها سیاست تعدیل اقتصادی، رکود و تعطیلی کارخانجات بزرگ تولیدی به موازات اعمال تبعیض جنسیتی چه در زمان استخدام و چه در زمان اخراج، تلاش کارفرمایان در بالا نگه داشتن نرخ سود به شیوه تعدیل نیروی انسانی و یا پایین آوردن مزایای کارگران بوده است. بعنوان مثال فرار از دادن مرخصی زایمان به زنان کارگر و همچنین محدودیتهایی مثل کارخانگی که زنان کارگر با آن دست به گریبان هستند باعث شده که میزان کارگران زن این کارخانجات بزرگ به شدت کاهش پیدا کند. انبوه زنان اخراج شده که با وضعیت معیشتی بسیار بفرنجی روبرو هستند به ناچار به عرصه تولید کارگاهی پناه می برند که در اینصورت نه تنها دستمزدی کمتر از پیش دریافت می کنند بلکه فرصت بهره گرفتن از همان قانون ضد کارگری رژیم را نیز از دست می دهند. زیرا این کارگاههای کوچک تولیدی دیگر حتی زیر پوشش همان قانون کار ضد کارگری رژیم نیز

نیستند. زنان کارگر در چنین شرایطی از کوچکترین مزایای حقوقی و امنیتی برخوردار نیستند. آنها از ساعات کار طولانی، دستمزدهای بسیار پایین، عدم بیمه درمانی و بیکاری و دیگر مزایا به شدت رنج می برند. در بسیاری موارد مورد خشونت فیزیکی و جنسی قرار می گیرند بدون اینکه قانونی در حمایت از آنان موجود باشد و به دلیل ایمن نبودن شرایط کار از آسیبهای فیزیکی در محل کار نیز در امان نیستند و در موارد بیمه‌شمار می‌باشند. دلیل استرس در محیط کار به بیماریهای روحی و عصبی مبتلا می‌گردد. زنان و دختران جوان کارگاههای کوچک فرش بافی روستاهای اطراف استان فارس و یا زنان فرش باف گناوه از نمونه های بارز آن هستند. زنانی که زندگیشان در کنار دار قالی سپری می شود ولی خود هیچ سهمی از تولید ندارند. دختران جوانی که ضربت شانه زدن بر دار قالی آنان را بسیاری شنیده اند اما صدای ذره ذره آب شدن آنان میان هر تار و پود نازک و کلفت رد کردن آنان به گوش بسیاری ناشناخت و البته به گوش کارفرما و طبقه حاکم خوشنوا. ناگفته نماند که پدیده دختران جوان فرش باف بعنوان کودکان کار در این کارگاههای قالی بافی بسیار بارز است.

وضعیت این زنان و دختران جوان کارگر زمانی فجعتر می شود که حتی در کارگاههای کوچک نیز استخدام نمی شوند و در اینصورت مجبورند در خانه به خیاطی، خشک کردن سبزی، پیچیدن پیچ و بسته بندی به سفارش کارفرما شوند. برای بسیاری از کارفرماها دادن کار به زنان در خانه آنهم در بیشتر مواقع با ساعات کار متغییر و یا بصورت نیمه وقت بیشتر به صرفه نزدیک است تا استخدام دایم آنها، زیرا در اینصورت نه تنها سخنی از مزایای کارگری در میان نیست بلکه با پرداخت دستمزد بسیار پایینتر ارزش اضافی حاصل شده به شکل قابل توجه ای افزایش می یابد، اما نقش آنان در تولید اصلاً در نظر گرفته نمی شود. این زنان کارگر به عنوان کارگران ناشناخته بیشتر در حاشیه شهرهای بزرگ مانند اکبرآباد، اسلام شهر و یا محله های فقیرنشین شهرهای بزرگ زندگی مملو از استثمار خود را سپری می کنند. شاید یکی از بهترین نمونه های این استثمار را در محله امامزاده یحیی بیابیم که زنان با انگشتان سوزن خورده که حکایت از سالها کار و زحمت دارد برای دوختن یک دکمه بیست تومان می گیرند ( سرمایه - ۸ (آبان) و یا زنان محله نظرآباد کرج که در خانه مشغول به قالی بافی برای مشتری هستند.

بقیه در صفحه ۱۰

## زنان کارگر

بقیه از صفحه ۱۰

نکته دیگر اینجاست که ستم اعمال شده بر زنان کارگر بعد از بازگشت از سر کار به خانه نیز پایان نمی‌گیرد. از زمانیکه که صنعت کار خانگی با پیدایش خانواده پدرسالار و از آنهم بیشتر با تشکیل خانواده فردی تک همسری تغییر کرد و اداره کار خانه خصلت عمومی خود را از دست داد و دیگر امری نبود که مربوط به جامعه باشد و به یک خدمت خصوصی تبدیل گشت، زن اولین خدمتکار خانگی گشت و همین مورد نیز باعث شد که از شرکت در تولید اجتماعی تا حد زیادی محروم گردد. بنابراین زن کارگر نیز که در تولید اجتماعی شراکت دارد می‌بایست بعد از آن خدمت به خدمت خصوصی (کارخانگی) بپردازد. این مساله مخصوصا در میهن ما که خانواده اصلی ترین عنصر جامعه محسوب می‌شود و در رابطه با این مساله تأکید و تمجید می‌شود، شدت و حدت بیشتری پیدا می‌کند. به بیانی دیگر زن کارگر بعد از استثمار در محل کار مجدداً از خانه مورد ستم قرار می‌گیرد و می‌بایست خدمت خصوصی در قالب کارخانگی که به نظر بسیاری مولد ارزش مصرفی است را بطور رایگان انجام دهد. در واقع زن کارگر اینبار بعنوان زن خانه دار در خانه مجدداً از طرف سیستم مردسالار بطور غیر مستقیم استثمار می‌شود. این موضوع برای زنان کارگر و بطور کل همه زنان حتی زنانی که به شغلای طبابت و حقوق نیز مبادرت دارند صادق است. «کارگر در خانه فقط خود را بیرون از محل کارش احساس می‌کند و در محل کارش، خود را تهی از خود، او زمانی خود را در خانه احساس می‌کند که کار نمی‌کند و زمانیکه کار می‌کند خود را در خانه احساس نمی‌کند. کارگر فقط هنگام بر آوردن نیازهای غریزی اش مانند خوردن، نوشیدن و نزدیکی جنسی احساس می‌کند فعالیت آزادانه انجام می‌دهد، یا در بهترین حالت در سکنی گزیدن و لباس پوشیدن و غیره. اما برای زن خانه دار حتی این امکان نیز وجود ندارد زیرا خود خانه، کانون موقعیت از خودبیگانه اوست. از او انتظار می‌رود به مراقبت و پرورش دیگران بپردازد بی آنکه مکان و یا چشم اندازی برای خود او وجود داشته باشد» (دست نوشته های اقتصادی و فلسفی مارکس).

کارخانگی که حفاظت از کودکان، شستشو، آشپزی و دیگر کارهای خانه‌داری را شامل می‌شود بخش عظیمی از تولید ضروری اجتماعی را تشکیل می‌دهد. با اینکه در جوامع سرمایه داری مدرن تولید کالایی به بالاترین حد خود رسیده است و از طرف دیگر نیروی انسانی زیادی صرف کار خانگی می‌شود اما هنوز تولید

خانگی در قلمرو ارزش ساده مصرف باقی مانده و از آنجایی که خارج از حوزه تجارت و بازار قرار دارد به معنای واقعی کلمه ماقبل سرمایه داری است «مارگارت بنسون».

در رابطه با مقوله کارخانگی از دیرباز تحقیقات زیادی انجام شده که هنوز ادامه دارد و بر سر چگونگی آن توافقات و اختلاف نظرهای فراوانی نیز وجود دارد. بعنوان مثال والی سکومب معتقد بود که: خانه داری کار است و اگرچه به دلیل بی مزد بودن، نامرئی به نظر می‌رسد، اما باید وجهی از تولید نظام سرمایه داری به حساب آید. چون به سرمایه دارها امکان می‌دهد نیروی کار مردان را بیشتر استثمار کنند و از این راه ارزش اضافی بیشتری به دست آورند. نظام سرمایه داری بدون کار خانگی از هم می‌پاشد؛ زیرا خانه داری خدمت رایگانی است که اگر قرار بود با نرخ های بازار تامین بشود به هزینه ها می‌افزود. پس استثمار کننده زنان، سرمایه داری است که از کار رایگان آنان ارزش اضافی کسب می‌کند و از همین رهگذر به سرمایه دارن امکان می‌دهد دستمزد کمتری به کارگران بپردازند. کارگر نیروی کار خود را میفروشد در حالی که زن متاهل نیروی کارش را به رایگان واگذار میکند. حق انحصاری و نپرداختن مزد با هم ارتباط نزدیک دارند، عرصه کار خانگی در چهار چوب رابطه شخصی و عام (ازدواج) در اصل نوعی بردگی است.

«پگی مورتن» و «دالاکوستا» به نقش کارخانگی در تامین و بازتولید نیروی کار برای صاحبان ابزار تولید و تثبیت نقش زنان بعنوان ارزش ذخیره کار اشاره کرده اند. آنها معتقد بودند که کارخانگی زنان از نظر تأثیری که بر زندگی و روابط زنان با جامعه و خانواده ایجاد می‌کند موقعیت آنان را مستقل از اینکه به چه طبقه ای متعلق باشند یا در کجا زندگی می‌کنند، تعیین می‌کند. آنان همچنین معتقد بودند که زنان با کارخانگی و نقش خود در تولید مثل نه فقط ارزش مصرفی بلکه کالایی اساسی در نظام سرمایه داری یعنی نیروی کار کارگر را تولید می‌کنند. بدین ترتیب بقای طبقه کارگر در گرو وجود خانواده کارگری است و از برکت کار خانگی زن برای مردان، کارگر و خانواده تامین می‌شود. زن برده مرد کارگر است که خود برده کارفرماست و مردی که او در خانه تداوم بردگی مزدی شوهرش را تضمین می‌کند و در نتیجه مبارزه زنان طبقه کارگر علیه خانواده یک ضرورت حیاتی محسوب می‌شود. کار خانگی مولد است و ارزش اضافی حاصل از آن از طریق مرد کارگر به جیب سرمایه دار ریخته می‌شود. بسیاری دیگر نیز بر این اعتقادند که تا زمانیکه کارخانگی به عنوان تولید خصوصی و تحت مسوولیت زنان باقی بماند، آنان صرفا بار سنگین دو کار را بدوش دارند. پس نظام سرمایه داری از طریق کار مجانی زن در خانه بطور غیر مستقیم بهره می‌برد و بدین شکل زن را تحت استثمار خود قرار می‌دهد. بسیاری از مارکسیستها که در این رابطه به تحقیق و نگارش پرداخته اند

معتقدند که یکی از فاکتهای رهایی زنان، اجتماعی کردن کارخانگی و در نتیجه تغییر شکل ساختار کنونی خانواده است که البته نظام سرمایه داری خود مانع اصلی بر سر این تحول است. زیرا سرمایه داری با خصوصی کردن هرچه بیشتر کارخانگی بعنوان بازتولید نیروی انسانی ارزش اضافی هر چه بیشتری را به جیب می‌زند و انچنان سود هنگفتی می‌برد که هرگز حاضر به از دست دادن آن نیست. انعکاس این پدیده در رابطه با زنان میهن ما به بدلیل ساختار ایدئولوژیک سیاسی حاکم که حامی سنتهای عقب افتاده و پدرسالارانه است و همواره تلاش دارد که بر خانواده بعنوان اصلی ترین عنصر جامعه تأکید ورزد بسیار آشکار و بفرنج است. بدون شک زمانی که زنان طبقه محروم جامعه برای انجام کار خانگی صرف می‌کنند به مراتب بیشتر و بفرنجتر از زنان طبقه مرفه جامعه است.

در رژیم تحت حاکمیت ولایت فقیه با توجه به تأکید هزار باره بر این مساله که «کارخانگی» کار زنان و مسوولیتی الهی است که از طرف خدا به آنان واگذار شده به موازات اعمال تبعیض جنسیتی خشن در تمام فعل و انفعالات اجتماعی مخصوصا در رابطه با اشتغال و بحران ساختاری اقتصادی، بیکاری و فقر، بخش عظیمی از زنان به پستی خانه کشانده شده اند و بسیاری از زنان میهن ما را به بردگان خانگی تبدیل کرده است. بدین ترتیب زنان میهن ما حتی آنانی که دارای مدارک دانشگاهی هستند به جای شرکت در پروژه تولید بعنوان نیروهای مولد جامعه در کنج خانه نشسته اند و تنها به انجام کارخانگی مبادرت می‌ورزند (اعتماد ۱۸ شهریور ۸۶: نرخ بیکاری زنان در سال ۱۳۴۵ برابر با ۲ درصد بوده و در سال ۱۳۷۵، ۱۳/۳ درصد و در سال ۱۳۸۰ ۱۸/۳ درصد افزایش یافته است. سهم زنان در بازار کار ایران در سال ۲۰۰۰ تنها ۹ درصد بوده، حال آن که این رقم در کشورهای صنعتی ۴۷/۱ درصد را به خود اختصاص داده است).

در چنین سیستم استبدادی و عقب افتاده زنان بعنوان جنس دوم تعریف می‌شوند. آنها همواره سعی می‌کنند تا فقط مسوولیت تولید ارزشهای مصرفی ساده در رابطه با خانه را به زنان بدهند.

از سوی دیگر تأثیر مخرب فرهنگی ترویج و اشاعه این تفکر که مسوولیت الهی زنان همانا نگهداری کودکان و زاییدن و کار خانگی است از سوی نمایندگان زن و مرد ولایت فقیه در طی سالهای متممادی بر روی نگرش برخی زنان و مردان میهن ما را نمی‌توان منکر شد. این مساله آنقدر گسترش پیدا کرده است که حتی برخی از زنان و مردان نه تنها به آن باور آورده اند بلکه آن را موردی بسیار طبیعی و کاملاً مرتبط به بیولوژی زن می‌دانند. بر طبق تحقیقات علمی ابتلا به بیماریهای روحی و حتی فیزیکی زنانی که خانه نشین هستند بیشتر از زنانی است که بیرون از خانه در تولید

اجتماعی شرکت دارند. به بیانی دیگر خانه نشینی دقیقاً بر خلاف بیولوژی زن و کلا انسان عمل می‌کند. اما همانطور که در ابتدای این مطلب عنوان شد، رشد و آگاهی روزافزون زنان، سازماندهی اعتراضات علیه سیاستهای رژیم اسلامی جهت دستیابی به حقوق خود این نگرش را با وجود اعمال خشونت بی حد و مرز و تصویب قوانین ارتجاعی در راستای هرچه خانه نشین تر کردن زنان به چالش گرفته است. حضور زنان کارگر دوشادوش مردان کارگر در اعتراضات کارگری در مدت سه دهه حاکمیت ارتجاع قابل تحسین و ستایش است. از بارزترین نمونه آن شرکت زنان و دختران کارگر و یا همسران کارگران مرد که خود به کار خانگی مشغولند در راهپیمایی سراسری روز یازده اردیبهشت ماه امسال و یا تجمع کارگران قند یاسوج به همراه پنجاه نفر از زنانی که شوهرانشان در این کارخانه کار می‌کنند در مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد است (خبرگزاری کار ۱۱ اردیبهشت، خبرگزاری فارس ۹ اسفند).

امروزه تحت لوای دولت نظامی-امنیتی احمدی نژاد که سیاست سرکوب جنبشهای اجتماعی در داخل و صدور بحران به خارج را در دستور کار قرار داده، زنان کارگر و مزدبگیر راهی جز شرکت منسجم در مبارزه طبقاتی و بالا بردن پرچم مبارزه برای دموکراسی، عدالت اجتماعی و طرد رژیم با همه جناحها و باندهای درونی آن ندارند. آنها از این رهگذر قادرند علاوه بر مبارزه برای خواستههای مشترک خود با دیگر زحمتکشان در تحقق مطالبات خود مبنی بر رفع تبعیض جنسیتی نیز تأکید کنند. تاریخاً هر جا که حقی از حقوق طبقه کارگر تحقق یافته است منفعتی دیگر نیروهای اجتماعی را نیز در برداشته است. اگرچه رسیدن به کوچکترین مطالبه کارگری در چارچوب رژیم می‌کند تا حدی تحمل تشکلهای زرد کارگری را ندارد و در صدد است که سرمایه بیشتری را در دست سرمایه داری انگلی جامعه انباشت کند ممکن نیست و نخواهد بود. اما این حرکتها و اعتراضات کارگری و شرکت گسترده زنان در آن قادر است با تعمیق تضاد بین کارگران و مزدبگیران کشور با کل حاکمیت راه را برای عبور از تشکلهای زرد و حرکت به سوی تشکلهای قرمز هموار کرده و مبارزه سراسری مردم را هر چه بیشتر رادیکال و همه گیر کند، و بدین ترتیب سرنگونی رژیم ضد کارگری را به سرانجام رساند. شرکت زنان کارگر و زنان دیگر اقصای اجتماعی و حتی زنانی که به دلیل قدرت مطلق ولایت فقیه به گوشه خانه، این بختک بیماریهای روحی و روانی کشیده شده اند در صحنه مبارزه طبقاتی نقش بسیار عمده و اساسی در پروسه تغییر بازی می‌کنند؛ زیرا تغییرات بزرگ اجتماعی بدون خمیرمایه نیروی تعیین کننده زنان غیر ممکن است.

## رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

سخن روز:

- فیلم زندگی آدمهاست، منهای قسمتهای خسته کننده آن. (الفرد هیچکاک ۱۸۹۹-۱۹۸۰)

- هر شاعری باید اول قواعد زبان را در حد استادی یاد بگیرد تا بتواند آن قواعد را نقض کند. (رابرت گراوس، نویسنده و دانش پژوه کلاسیک انگلیسی ۱۸۹۵-۱۹۸۵)

## فیلم



در یادبود یکی از برجسته ترین هنرمندان جهان، چارلی چاپلین.

ایمجن ریتروواتا با همکاری ارشبو ملی فیلم و تلویزیون لندن و لایستر فرانسه قصد دارد سال آینده 33 فیلم کوتاه چاپلین مربوط به سالهای ۱۹۱۴ و ۱۹۱۵ استودیو کیستون را بازبازی کند.

ناتانل کارمیتز، فرزند صاحب کمپانی فیلمسازی MK2 فرانسه گفت، واکنش آمریکاییها نسبت به بازبازی فیلمهای چاپلین ناامیدکننده بود اما در عوض چاپلین در بسیاری از کشورهای از جمله برزیل، آرژانتین و ژاپن بسیار محبوب است.

نسخه‌های بازبازی شده فیلمهای چاپلین اکنون در سینماهای مهم به نمایش درمی‌آیند، از جمله "دیکتاتور بزرگ" که سال ۲۰۰۲ در جشنواره فیلم برلین نمایش داده شد و بسیار نیز مورد استقبال قرار گرفت و "عصر جدید" که سال 2003 در جشنواره فیلم کن پخش شد.

همزمان ارشبو فیلم بولونیا فیلمنامه‌ها و طراحیهای چاپلین را نیز به صورت دیجیتالی آورده است. از سوی دیگر به تازگی اعلام شد خانه فیلمساز فقید بریتانیایی در سوییس که او ۲۵ سال آخر زندگی خود را در آن گذراند، به زودی به یک موزه تبدیل می‌شود که شامل نمایشگاه دائمی، سالن سینما با گنجایش ۲۰۰ صندلی، فروشگاه و رستوران خواهد بود. چارلز چاپلین، ۲۵ دسامبر سال ۱۹۷۷ (چهارم دی ۱۳۵۶) از دنیا رفت اما طنزهای انتقادی او از سیستم سرمایه داری در فیلمهایی مانند "جویندگان طلا"، "سپرچه" و آخرین فیلم

صامت او "عصر جدید"، تماشاگران سراسر جهان از بنگلادش تا برزیل را جذب خود کرده است. از سال ۲۰۰۱ تاکنون حدود ۲/۸ میلیون نسخه از دی‌وی‌دیهای چاپلین در سطح جهان به فروش رسیده است.

## حمایت هنرمندان از فیلمنامه نویسان

متخصص

جورج کلونی، هنرمند محبوب آمریکایی، از برگزارکنندگان جوایز اسکار و گلدن گلوب خواست که برای همدردی با فیلمنامه نویسان متخصص در این مراسم شرکت نکنند.

در پی این درخواست، رسانه خبری تایمز آنلاین اعلام کرد که ۷۰ بازیگری که نام آنها در فهرست میهمانان مراسم اسکار و گلدن گلوب قرار گرفته، ضمن همدردی با فیلمنامه‌نویسان متخصص، به هیچ وجه در این مراسم شرکت نخواهند کرد.

شبکه NBC که در زمینه تبلیغات برگزاری مراسم گلدن گلوب نقش اساسی به عهده دارد، به طور رسمی اعلام کرد که مراسم گلدن گلوب حتما برگزار خواهد شد.

## جانی دپ در نقش استالین

جانی دپ در مستندی براساس کتاب سیمون سباگ مونتفیوره در نقش "ژوزف استالین" بازی خواهد کرد. این مستند بر اساس بیوگرافی با عنوان "استالین جوان"، برای استودیو میرامکس ساخته می‌شود. مونتفیوره اعتقاد دارد که چهره این بازیگر مشهور با جوانی ژوزف استالین سازگاری دارد و او کاملا برای این نقش مناسب است. این مورخ حدود هفت سال روی کتاب خود کار کرده و برای تکمیل آن بارها آرشیوهای روسیه را مرور کرده است. وی همچنین با یک زن ۱۰۹ ساله گرجستانی که در سال ۱۹۰۶ در مراسم ازدواج استالین حضور داشته، مصاحبه کرده است.

تهیه مستند جوانی استالین را الیسون اوون بر عهده دارد و جان هاج، فیلمنامه آن را می‌نویسد.

## دخالت بنیادگرایان در تلویزیون

افغانستان

شورای علمای افغانستان که از روحانیون بنیادگرای کشور تشکیل شده، از دولت خواسته است تا نشر برنامه های تلویزیونی به ویژه فیلمها و سریالهای خارجی که به قول این شورا "مبتذل و در تضاد با فرهنگ و ارزشهای دینی" قرار دارد را محدود کند.

در همین حال، عبدالکریم خرم، وزیر اطلاعات و فرهنگ افغانستان، در دیدار با مسولان تلویزیونهای خصوصی گفته است: "نشر (پخش) این سریالها، علاوه بر اینکه جوانان را به گمراهی سوق می‌دهد، باعث تبلیغ بت پرستی در کشور می‌شود."

وزارت اطلاعات و فرهنگ در حدود ۹ ماهی که از آغاز به کار آقای عبدالکریم خرم در راس آن می‌گذرد، بارها تلویزیونهای خصوصی را متهم به نشر برنامه های مغایر با فرهنگ ملی و اسلامی کرده است.

## ادبیات

## انتشار مجموعه آثار حمید مصدق

مجموعه آثار حمید مصدق به بازار کتاب آمد. شعرهای "درفش کاویان"، "آبی، خاکستری، سیاه"، "در رهگذار باد"، "از جداییها"، "سالهای صبوری"، "منظومه هستی" و "شیر سرخ" که هر یک در سالهای جداگانه ای (۴۱، ۴۳، ۴۷، ۵۸، ۶۹ و ۷۶) به چاپ رسیده، در این مجموعه گردآوری شده است.

حمید مصدق در بهمن ماه ۱۳۱۸ در شهرضا متولد شد. وی در دوران دبیرستان با منوچهر بدیعی، هوشنگ گلشیری، محمد حقوی و بهرام صادقی هم مدرسه بود و با آنان دوستی و آشنایی داشت.

مصدق در سال ۱۳۳۹ وارد دانشکده حقوق شد و در رشته بازرگانی درس خواند. او بعدها به شغل وکالت و کار تدریس در دانشگاه روی آورده و مدتی نیز سردبیری مجله کانون وکلا را بر عهده داشت. وی در هشتم آذرماه ۱۳۷۷ بر اثر بیماری قلبی در تهران درگذشت.

مجموعه آثار حمید مصدق در ۱۱۰۰ نسخه، ۷۲۲ صفحه و با قیمت ۹۰۰۰ تومان در کتابفروشیها قرار گرفته است.

## اعطای اولین جایزه سیمون

## دوبوار به نام " برای رهایی

زنان"

به مناسبت صدمین سال تولد سیمون دو بوار، روز ۹ ژانویه ۲۰۰۸ در دانشگاه سوربن پاریس اولین جایزه سیمون دو بوار از سوی یک ژوری بین المللی به مبارزین علیه بنیادگرایی اسلامی اعطا شد.

این جایزه را تسلیمه نسرين و ایان هیریس علی به خود اختصاص دادند. تسلیمه نسرين، نویسنده متولد بنگلادش که زندگی او از جانب بنیادگرایان تهدید می‌شود، در خانه خود در هند تحت "حفاظت" پلیس به سر می‌برد.

در هیات داوران بین المللی به ریاست جولیا کریستیایا، کسانی مانند الیزابت بدیتتر، کتی میل و الیس شوارتسر نیز عضویت دارند.

## موسیقی:

## ستاره راک در هیات دولت استرالیا

پس از جابجایی قدرت در استرالیا، پیتر گرت "Peter Garrett"، خواننده پیشین گروه راک "Midnight Oil" به عضویت کابینه چپ میانه نخست وزیر جدید این کشور، کوین رود "Kevin Rudd"، درآمد. پیتر گرت که در دهه ۸۰ با گروه خود و ترانه های انتقادی مانند

"Beds Are Burning" در فهرست پرفروش ترینها قرار داشت، اکنون وزیر جدید محیط زیست، میراث فرهنگی و هنر استرالیا است.

گرت پس از پایان تحصیلات دانشگاهی خود در رشته حقوق، در سال ۱۹۷۳ خواننده این گروه شد که به ویژه در انتهای دهه ۸۰ و آغاز دهه ۹۰، موفقیتی جهانی را به دست آورد. "Midnight Oil" که در سال ۲۰۰۲ به کار خود خاتمه داد، در ترانه های خود به طور دائمی به سیاست خارجی آمریکا، مسایل زیست محیطی و شرایط بومیان استرالیایی می پرداخت. وزیر جدید محیط زیست استرالیا، عضو حزب کارگر و پارلمان این کشور و همچنین رییس "بنیاد گفتگو" و از اعضای رهبری بخش بین المللی صلح سبز (Greenpeace) است.

گرت مسوولیت خود در این وزارتخانه در بخش تغییرات جوی را با خانم پنی ونگ "Penny Wong" تقسیم می کند که نخستین استرالیایی در آسیا متولد شده ای است که به عضویت دولت این کشور درآمد است.

برخی از مطرح ترین آلبومهای گروه Blue Sky Mining, Midnight Oil, Earth and Sun and (1990), Moon (1993) و ۱۰,۹,۸,۷,۶,۵,۴,۳,۲,۱ منتشر شده در سال ۱۹۸۲ می باشد.

## درگذشت عاشورپور، خواننده بزرگ

## موسیقی محلی گیلان

احمد عاشورپور، پر سابقه ترین خواننده فولکلوریک گیلکی، عصر چند روز پیش از رسیدن به سن ۹۶ سالگی در



بیمارستان جم تهران در گذشت.

شهرت و محبوبیت اصلی احمد عاشورپور ناشی از توجه و بازخوانی ترانه های فولکلوریک به خصوص ترانه های گیلکی است. با این حال او ترانه های فارسی و آذری نیز دارد.

از جمله نوآوری آقای عاشورپور آن بود که وی بیش از ۶۰ سال پیش، ترانه های فولکلور گیلکی را با ملودیهای غربی دهه های بیست و سی اجرا می کرد.

اولین آلبوم ترانه های عاشورپور در سال ۱۳۲۲ منتشر شد و تا هنگام مرگ، پنج آلبوم دیگر نیز از وی انتشار یافت که آخرین آن در سالهای اولیه پس از قیام است.

از جمله ترانه های معروف او "جوما بازار"، "ای جنگی جنگی جان"، "حاج خانمه"، "سر کوه بلند"، "گلبنو"، "ای لیلی" و "آفتاب خیزان" است. عاشور پور در مصاحبه ای با انتقاد از محدودیتهای ایجاد شده برای برگزاری کنسرت در زادگاهش، دلیل بقیه در صفحه ۱۳

## پروژه ساخت بمب هسته ای رژیم به شدت فعال است

جعفر پویه  
پرونده تخلفات اتمی رژیم جمهوری اسلامی به دلیل گزارش "شورای ملی اطلاعات آمریکا" برای بسیاری از اهمیت کمتری برخوردار شده است. به همین دلیل رژیم جمهوری اسلامی از فرصت به دست آمده استفاده کرده و به تکمیل پروژه خود مشغول است.

سفر البرادعی به تهران و ملاقات او با خامنه ای، رهبر و ولی فقیه رژیم نه تنها دستاورد قابل ملاحظه ای نداشته است بلکه باعث گردیده تا آژانس انرژی اتمی نیز همچنان در بلاتکلیفی بسر برد. عدم قاطعیت البرادعی و فشار تبلیغاتی فزاینده ای که گزارش نهادهای امنیتی آمریکا به بار آورده اند، همه دست بدست هم داده اند تا فرصت لازم را برای رژیم ولایت فقیه فراهم کنند.

در روزهای گذشته پلیس آلمان موفق شده است یکی از قاچاقچیان مواد لازم برای ساخت بمب هسته ای رژیم را در برلین بازداشت کند. این کارچاق کن رژیم که پلیس او را با نام "دکتر احمد ر" معرفی می کند، دارای تابعیت آلمانی است و در آن کشور به تجارت اشتغال دارد. دادستانی فدرال آلمان می گوید که او مشغول به قاچاق موادی بوده است که در فناوری هسته ای کار برد دارد. دفتر کار و منزل این شخص مورد بازرسی قرار گرفته و او اکنون در بازداشت مقامات قضایی قرار دارد.

همچنین در ماه ژوئیه گذشته یکی از ماموران سفارت ایران در آلمان که در قاچاق تجهیزات مربوط به بمب هسته ای دست داشته، از آلمان اخراج گردید. این دیپلمات - قاچاقچی هسته ای رژیم به نام "محرملی د" هنگامی شناخته شد که با شرکتی در ایالت باواریا در حال معامله قطعه ای بود که در هدایت سیستم برنامه غنی سازی اورانیوم کاربرد دارد. از آن زمان تا کنون چندین شرکت ایرانی و آلمانی توسط دادستانی فدرال مورد بازرسی قرار گرفته و مسوولین این شرکتها به اتهام قاچاق کالای غیر مجاز تحت تعقیب قضایی قرار دارند.

موارد فوق نشان می دهد که بر خلاف گزارش شورای ملی اطلاعات آمریکا نه تنها رژیم پروژه ساخت بمب اتمی خود را متوقف نکرده بلکه، با جدیت مشغول ادامه کار است و در این راه قاچاقچیان و کارچاق کنهای خود را به شدت برای دستیابی به قطعات مورد نیاز فعال کرده است.

قول قرارهای نمایندگان رژیم با نهادهای بین المللی و حرفه‌ای که هیچگونه ضمانت اجرایی ندارند تنها برای خرید وقت جهت دستیابی به بمب اتمی به کار گرفته می شوند. آینده بیش از این موضوع را ثابت خواهد کرد. ۲۸ دی

## قرارداد الجزیره در کوره بحران عراق

منصور امان  
در اقدامی غیرمنتظره، آقای جلال طالبانی، رئیس جمهور عراق، به طور یکجانبه قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره را لغو شده اعلام کرد تا بدین وسیله پیام روشنی برای همه ی طرفهای خارجی و عراقی درگیر در این کشور ارسال کرده باشد. در همین حال، این سیاستمدار عراقی روی دیگر سکه ی مداخله گری جمهوری اسلامی در کشور همسایه و پرتوی که از آن به سوی ایران منعکس می شود را نشان داده است.

آقای طالبانی در توضیح این رویکرد به روزنامه الحیات، چاپ لندن گفته است، توافقنامه مزبور بین دو رژیم صدام حسین و شاه بوده و ایوزوسیون عراق که اکنون حکومت را در دست دارد، در همان تاریخ آن را رد کرده است. سفیر جمهوری اسلامی در عراق، آقای حسن کاظمی عراقی، با اظهار این که: "این سند لایتنیر است و ما در جهت اجرایی کردن آن گام برمی داریم" به رویارویی با مساله به میان افکنده شده از سوی رئیس جمهور عراق رفته است. آقای طالبانی با گشودن ترم مزبور، به تلاش فزونی گرفته رژیم مَلاها برای بهره جویی از کارت عراق برای حل و فصل موضوعهای مُورد اختلاف خود با ایالات متحده پاسخ داده است. به نظر می رسد بخشهایی از دولت عراق که وی به نمایندگی از طرف آنها سخن می گوید، نگران صورت گرفتن توافقهایی میان آمریکا و جمهوری اسلامی از فرز سر خود باشند.

گفته های پایوران ارشد سیاسی و نیز نظامی ایالات متحده مبنی بر آنکه جمهوری اسلامی دخالت خشونت بار خود در عراق را کاهش داده است و نیز درخواست رژیم مَلاها برای انجام دور جدید مذاکره در سطح سفیر " و حتی بالاتر"، شواهدی هستند که آقای طالبانی را به اقدام فوری برای "سه جانبه" نگه داشتن روند سیاسی کنونی برانگیخته است.

از سوی دیگر، ابتکار وی در همان زمانی صورت می گیرد که کوشش احزاب و جریانهای کرد، سُنی و سکولار برای تشکیل ائتلافی از نیروهای خارج از دولت مالکی - حکیم و با هدف ایجاد یک وزنه سیاسی نیرومند در مقابل عوامل وابسته به مَلاها، تمرکز بیشتری یافته است. انگشت گذاری آقای طالبانی بر یک نقطه ای مناقشه برانگیز در مناسبات با جمهوری اسلامی می تواند با ترسیم مرزبندی سیاسی - ملی، روند نزدیکی نیروهای درگیر در پروژه ائتلاف یا نامزدهای آن را هموار تر کند. ۸۵ دی ۸۶

## رویدادهای هنری

بقیه از صفحه ۱۲  
عدم انتشار آلبوم تازه ای در سالهای اخیر و به ویژه آلبوم مورد نظرش گفته بود: " برای عده ای، دیگر تفکر سیاسی مهم نیست. شاید فکر می کنند که کار کردن با من برایشان ایجاد دردسر بکند و گرفتاریها مانع از این می شود که این آهنگها در دسترس مردم قرار بگیرد."

### ابتکار ویلون زن بریتانیایی

تسمین لیتل، ویولنیست تحسین شده بریتانیایی، با هدف جلب توجه عموم مردم به موسیقی کلاسیک، ترانه های ضبط شده آلبوم بعدی خود را به طور رایگان از طریق داونلود دیجیتال در دسترس علاقمندان قرار خواهد داد. (۱)

وی پیامون انگیزه خود از این کار گفت: "هدف من به هیچ عنوان پول درآوردن نبود. من احساس می کنم موسیقی کلاسیک به شدت مورد سوو برداشت قرار گرفته است."

خانم لیتل با اشاره ای علنی به موسیقی پاپ مردم پسند گفت: "من می خواهم بدون پایین آوردن کیفیت کار، آن را برای همگان قابل دسترس کنم زیرا معتقدم شما لزوما نباید بروی یک موسیقی صدای ضرب بگذارید تا مورد پسند عموم قرار گیرد."

او می افزاید: "تنها همین مساله که مردم می توانند از طریق کامپیوتر خود به این موسیقی گوش دهند، به این معناست که آنها لازم نیست برای لذت بردن از این سبک، تحصیلات خاصی داشته باشند و از پیشینه اجتماعی یا فرهنگی خاصی بیایند." آلبوم جدید خانم تسمین لیتل که "ویولن عربان" نام دارد، شامل سه قطعه ویولن تنها و بدون همراه از سه هنرمند بزرگ، "باخ"، "پال پترسون" و "اوژن یسای" است. خانم لیتل می گوید: "این سه قطعه ی عمیقاً متفاوت برای موسیقی ویولن، نشانگر تنوعی خواهد بود که ساز ویولن می تواند تولید کند."

(۱) لینک برای دانلود:

[http://www.tasminlittle.org.uk/free\\_cd/index.html](http://www.tasminlittle.org.uk/free_cd/index.html)

### طنز

هادی خرسندی

"سعیدی: روابط با روسیه تعمیق خواهد یافت"

محمد سعیدی، معاون امور بین الملل سازمان انرژی اتمی ایران، در مصاحبه با خبرگزاری ایرنا گفت که "با ارسال سوخت نیروگاه اتمی بوشهر، می توانیم در آینده شاهد رویکرد جدیدی در تحمیق روابط استراتژیک با روسیه در همه زمینه ها باشیم" - فعلاً که (عین) را داده‌اید، (ح) گرفته‌اید.

## "سنای آمریکا بودجه جنگ عراق را تصویب کرد"

جنگ، جنگ، تا پیروزی بر انگلیس! - روزنامه خراسان از قول سخنگوی قوه قضاییه خبر داده که سه تن از مقامات ارشد دولت به جرم فساد اقتصادی به انفصال از خدمت و حبس محکوم شده اند. وکیل این سه نفر در دادگاه مدرک پزشکی نشان داد که هر سه موکلش به الزایمر (بیماری فراموشی) دچار شده‌اند ...

دادستان تهران در مصاحبه ی مطبوعاتی خاطر نشان ساخت که عجیب است که این هر سه نفر، سهم امام را فراموش کرده باشند!

### - کنفرانس خبری عید غدیر

منوچهر متکی، وزیر امور خارجه ایران، از آغاز به کار نیروگاه اتمی بوشهر تا تابستان سال آینده خبر داد. آقای متکی که در کنفرانس خبری در حاشیه جشن عید غدیر در وزارت امور خارجه ایران صحبت می کرد، گفت

....  
- بخش غم‌انگیز خبر را هم گذاشته برای کنفرانس خبری شام‌غریبان!

" آمریکا خواستار مشخص شدن تاریخ قطعی انتخابات در پاکستان شد"

- به خاطر همان چند کیلومتر مرز مشترک؟

" دو میلیون سند در گونی نگهداری می شود"

- "سخنگوی قوه قضائیه ایران از نگهداری حدود دو میلیون سند این قوه در گونی خبر داد. - در حالی که می توانند سندها را خالی کنند، گونها را بفروشند، بگویند پولش را فرستادیم فلسطین!"

از لاجوردی جلاد به نیکی یاد نکرد؟

- "هادی خرسندی عزیز - نصف بیشتر کسانی که از آنها در صفحه اصلی سایت تان به اسم جوانان ایران زمین آگاه و با شهامت نام برده‌اید، همین اصلاح طلبها هستند." (از اظهارنظرهای رسیده زیر سروده‌ی "اصلاح طلب")

- خب که چی؟ می خواهید اعلام کنید که شعر "اصلاح طلب" را درک نکرده‌اید؟ می خواهید بگویند خاتمی به نهضت اصلاح طلبی خیانت نکرد؟... از لاجوردی جلاد به نیکی یاد نکرد؟ ...و می خواهید بگویند آن سروده، همه‌ی اصلاح طلبان را شامل می شود؟ چرا لشکر جمع می کنید؟ چشمتان را باز کنید قربان.

" روسیه فروش سیستم اس ۳۰۰ به ایران را تکذیب کرد"

- پس خبر درسته!

## زنان در مسیر رهایی

الف. آناهیتا

چین: رشد فزاینده قاچاق زنان و کودکان

اسوشیتد پرس، ۲۱ دسامبر ۲۰۰۷  
اولیای امور چین با توجه به رشد فزاینده قاچاق زنان و کودکان قصد دارند با برنامه ریزی جهت حمایت از قربانیان و نظارت بر قاچاق زنان و کودکان بصورت ملی طی چهار تا پنج سال آینده با این معضل مبارزه کنند. «نهادهای قاچاق انسان که سازمان یافته هم هستند در درون کشور و در حاشیه های مرزی در حال رشد هستند و این وضعیت به هیچ وجه خوش بینانه نیست، ما می بایست در کاهش ضربه های فیزیکی و روحی زنان و کودکانی که ربوده می شوند بطور جدی تلاش کنیم.» بر اساس طرح جدید نهادهای محلی دولتی می بایست دفتر نمایندگی نهادهای ازدواج که که به طور غیرقانونی و بدون داشتن اجازه کار به فعالیت مشغول هستند را ببندند. زیرا بسیاری از این نهادها در پوشش این عمل زنان و کودکان را فریفته و به دام قاچاق انسان گرفتار می سازند. شعبه های نقل و انتقال مانند راه آهن، فرودگاهها و اتوبوس رانی می بایست جهت جلوگیری از قاچاق زنان تحت کنترل کامل در آیند. دولت نیز می بایست امکانات لازم جهت آموزش و مشاوره به زنان و کودکانی که ربوده شده و دوباره به جامعه بازگردانده شده اند را فراهم آورد. بر اساس آمار رسمی، سالانه نزدیک به سه هزار مورد ربودن زنان و کودکان به پلیس گزارش داده می شود که البته آمار اصلی به این دلیل که بسیاری از موارد گزارش داده نمی شوند بسیار بالاتر می باشد.

فعالان مدافع حقوق زنان در نیپال  
خواستار نمایندگان زن بیشتری در

دولت آینده این کشور شدند

پپلس دیلی، ۳ ژانویه ۲۰۰۸  
پیش از ده تشکیل مدافع حقوق زنان در کشور نیپال با فرستادن نامه ای غیررسمی از دولت خواستند تا حداقل یک سوم نمایندگان در آینده کمیسیونهایی که دولت در آینده تشکیل می دهد به زنان تعلق پیدا کند. در این نامه از سخنگوی دولت خواسته شده که حداقل سی و سه درصد نمایندگان نهادهای مختلف دولتی به زنان اختصاص یابد. گروههای فشار زنان، کمیته تلاش زنان و شبکه درون حزبی زنان از جمله سازمانهایی هستند که این نامه را امضا کرده اند.

یک میلیون زن بیوه در عراق

میدل ایست آن لاین، ۲۸ دسامبر ۲۰۰۷  
نمایندگان زن عراقی در دولت و فعالان اصلاح قانون برای اصلاح موقعیت زنان برای تصویب قانونی که از تعداد بیشمار رو به رشد زنان بیوه و مطلقه دفاع کند، تلاش می کنند. نادیا حبیب عضو پارلمان و از مسوولین کمیته زنان و کودکان می گوید که ما در حال تهیه و ارایه طرحی هستیم که وضعیت فاجعه بار زنان عراقی بخصوص بیوگان و زنان مطلقه که احتیاج به حمایت مبرم دارند را توصیف می کند. او ادامه می دهد که تقریباً یک میلیون زن بیوه عراقی که همسران خود را به سبب جنگ و یا خشونت های داخلی از دست داده اند در کشور وجود دارد. تنها هشتصد بیلیون دینار عراقی برابر با ششصد و شصت و چهار میلیون دلار در بودجه دولت به برنامه های حمایتی اجتماعی تعلق داده شده است. این میزان با توجه به رشد فزاینده تعداد بیوگان، بیکاران، یتیمان و کسانی که نقص عضو دارند بعد از حمله آمریکا به کشور کافی نیست. با پرداخت فقط پنجاه دلار آمریکا و جیره بندی غذا این افراد فقط کمی به خط فقر کشور نزدیک می شوند.

سلما سماپسن، فعال مدافع حقوق زنان مستقل اعتقاد دارد که فراهم کردن کار برای این زنان که بیشتر آنان از نظر اقتصادی به دولت و یا فامیل خود وابسته هستند قادر است به اقتصاد کشور نیز کمک کند. او ادامه می دهد که ما باید به این زنان بیاموزیم که چگونه ماهی را به چنگ بیندازند نه اینکه ماهی را در اختیار آنان قرار دهیم بدین معنا که حمایت مالی دولت کافی نیست بلکه با ایجاد برنامه های آموزش برای این زنان می بایست آنها را در یافتن کار در بخشهای خصوصی و دولتی کمک کرد. یکی دیگر از نمایندگان زن عراقی بر اساس همین گزارش اخطار می دهد که با توجه به رشد روزافزون این زنان و خانوادهها اگر با این مساله بطور جدی رویرو نشویم جامعه عراق را با خطر بزرگی مواجه خواهد ساخت. این زنان می بایست مورد آموزش و حمایت قرار گیرند تا در حوزههای مختلف به کار گماشته شده و در جامعه نقش مولدی پیدا کنند.

هند: زنان مبتلا به ویروس اچ آی

وی در مقابل دریافت دارو و مشاوره

بهداشتی مجبور به آمیزش جنسی

اجباری شده اند

اسوشیتد پرس، ۲۱ دسامبر ۲۰۰۷  
زنان مبتلا به ویروس ایدز در مناطق شمالی پنجاب واقع در کشور هند توسط کارشناسان فنی انستیتوهای پزشکی به آمیزش جنسی در مقابل دریافت دارو و مشاوره بهداشتی مجبور شده اند. پلیس هند در حال تحقیقات پیرامون کسانی است که در این مراکز تحقیقاتی و پزشکی مورد سوطن قرار

گرفته اند. زنانی که این مساله را گزارش داده اند جوان و از مناطق پرجمعیت و فقیر نشین منطقه می باشند. یکی از این زنان می گوید: او برای من دارو و درمان تهیه کرد اما این کار را فقط هنگامی انجام داد که من با کاری که او از من خواست موافقت کردم، او فقط در مقابل لذت جنسی خود این امکان را در اختیار من قرار داد. این زنان همچنین ابراز می دارند که کارکنان این مراکز تحقیقاتی و بهداشتی از آنان خواسته اند که از زنان دیگر که به دارو و مشاوره در رابطه با بیماری ایدز احتیاج دارند سفارش کنند که در مقابل آمیزش جنسی، امکانات مورد نیازشان فراهم خواهد شد. لکه داغ و اعمال تبعیض علیه زنانی که حامل ویروس ایدز هستند در کشوری که نزدیک به یک و یک بیلیون جمعیت دارد و تخمین زده می شود که نزدیک به دو و نیم میلیون از آن مبتلا به این ویروس هستند، بسیار فاحش و گسترده است.

زنان عراقی در زندان

سی بی اس نیوز، ۲۲ دسامبر ۲۰۰۷  
زنانی را تصور کنید که به جرم تروریست بودن همسرانشان، با کودکان و نوزادان خود در زندان به سر می برند و بدتر از این به نظر می رسد هیچ راه رهایی برای آنان وجود ندارد. گزارش زیر بر اساس بازدید الیزابت پالمر همراه با طارق الهاشمی، معاون ریاست جمهوری عراقی که از تنها زندان زنان عراقی بازداری می کرد تدوین شده است.

زنان محبوس در زندان خادیمه عراق مدتهای طولانی منتظرند تا کسی به سخنان آنان گوش فرا دهد. برخی از آنان از پشت میله های زندان فریاد می زنند: «همسران ما متهم شناخته شده اند و ما دستگیر شده ایم!!!. بسیاری از ما مورد تجاوز جنسی قرار گرفته ایم... ما باردار بوده ایم و به دلیل تجاوز کودکان خود را از دست داده ایم.» تقریباً دویست زن به دلایل مهم همراه با کودکان خود در زندان به سر می برند بسیاری از آنان کودکان خود را در زندان به دنیا آورده اند. بسیاری از این زنان به دلیل اتهامات تروریستی با وجود نبود دلایل و یا وجود دلایل بسیار کم، بدون داشتن وکیل قانونی و یا حتی یک تاریخ مشخص دادگاهی به مدت طولانی محبوس هستند. یکی از آنان در حالیکه که اشک می ریخت عنوان کرد که من توسط نیروهای آمریکایی دو سال گذشته بازداشت شدم و هیچ خبری از خانواده خود ندارم.

در حالیکه دوربینها به گردش در می آمدند، طارق الهاشمی خطاب به آنان گفت که ما کمیته ای تشکیل می دهیم که به کار شما رسیدگی کند، همزمان بسیاری از زنان از پشت میله های زندان فریاد زدند که ما تو را باور نداریم ما سالهاست که در بند هستیم اما هنوز کسی به ما نگفته چرا ما را دستگیر کرده اند!!!

الهاشمی ترجیح می داد که بسیاری از این فریادها را نشنیده بگیرد مانند زمانیکه زنی فریاد زد که من در زمان دستگیری مورد تجاوز جنسی قرار گرفته ام و یا زمانیکه زنی دیگر فریاد زد آنان بدلیل اتهامات تروریستی مرا به بیست سال زندان محکوم کرده اند. عنوان این مسایل در جامعه ای که حیثیت زنان همه چیز است بسیار تابو می باشد و مطمئناً باعث ناراحتی معاون ریاست جمهوری می شود. الهاشمی به پالمر می گوید که این زنان تلاش می کنند که شفاف صحبت کنند اما این به موقعیت من ضرر می زند و من تلاش می کنم آنها را آرام کنم. اما با فشار پالمر، الهاشمی تایید می کند که این زنان توسط بازجویان خود قبل از اینکه به این زندان انتقال پیدا کنند مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته اند. او ادامه می دهد که مکانهای بازجویی مکانیست مخوف که تجاوز جنسی، شکنجه و بسیاری رفتارهای ناشایست در آنجا صورت می پذیرد و سپس این زنان به زندان الخدیمه می آیند و منتظر اجرای عدالت می مانند.

کانادا: زنان کمتری در پستهای

مدیریتی شرکت های بزرگ

رویتر، ۱۵ ژانویه ۲۰۰۸  
بر اساس گزارش سوم سالانه هیات اجرایی شبکه زنان، میزان مشارکت زنان در پستهای مدیریتی شرکت های بزرگ کشور کانادا با یک افت نزولی همراه بوده است. از سیصد و سی و پنج موقعیت بالای کاری در این شرکتها فقط سی و یک درصد برابر با پنج و هشت دهم درصد نسبت به گزارش قبلی که این میزان سی و هفت و یا برابر با شش و نه دهم درصد بوده، تنزل داشته است.

اما مدیر هیات اجرایی شبکه زنان ابراز می دارد که این تنزل زیاد قابل طرح و ارزیابی نیست. در آمریکا هم میزان زنانی که در موقعیتهای مدیریتی شرکت های کلان قرار دارند همانند کانادا شش درصد است. در عین حال او اضافه می کند که در هر صورت متأسفانه هنوز موانع زیادی در محل کار برای زنان جهت دستیابی به پستهای بالای مدیریتی در شرکت های کلان وجود دارد، تمرکز روی این مساله توسط کارفرمایان بسیار مهم است.

یک توضیح: آخرین جمله آخرین خبر زنان در مسیر رهایی مندرج در نبرد خلق شماره ۲۷۰ به دلیل تکنیکی چاپ نشده است. جمله بدین قرار است: «دیدبان حقوق بشر از دولت اوگاندا و سازمانها و نهادهای حقوق بشری سریبا می خواهد که زنان قربانی خشونت جنسی در اوگاندا مخصوصاً شمال این کشور را مورد توجه خود قرار دهند.»

لیلا جدیدی

پس از چند روز سکوت در برابر مصوبات مجمع عمومی سازمان ملل که شامل تعلیق موقتی مجازات اعدام در کشورهای جهان می‌شود، روز شنبه، دبیر ستاد "حقوق بشر" قوه قضاییه رژیم مالاها به تکرار اظهار نظرهای خود در این زمینه پرداخت.

محمد جواد لاریجانی، این اقدام را خصومت کشورهای غربی علیه دنیای اسلام معرفی و "تحمیل" آن را "نامعقول و نادرست" توصیف کرد. او ادعا کرد که دلایل ارائه شده برای لغو مجازات اعدام، "سیاسی" است و ربطی به حقوق بشر ندارد. یکی از ۱۷ مصوبه ای که ثبت رای شده بود، قطعنامه علیه نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی است که شامل "شکنجه، شلاق زدن، قطع عضو، سنگسار و اعدام در ملاء عام" می‌شود.

حتی بنا به تحقیقات موافقین لغو مجازات اعدام، این عمل تا کنون بازدارنده از ارتکاب به جرم نبوده است. بنابراین از چه روی جمهوری اسلامی بر اجرای چنین "مجازات"ی پافشاری می‌کند؟ اعدام، ارتکاب به قتل از جانب حکومت است؛ قتلی عامدانه و آگاهانه و با برنامه ریزی قبلی که یک نهاد سیاسی در برابر چشم مردم و در نهایت خونسردی و حق به جانبی و در حالی که فرد را در اسارت دارد، مرتکب می‌شود.

مجازات اعدام را حکومت‌های مستبد برای نمایش قدرت و اختیارات خود بر جامعه تعیین کرده اند تا آن را تسلیم خود کنند. از همین روست که در جمهوری اسلامی مجازات مزبور تنها محدود به کیفر قتل نمی‌شود بلکه، سکس غیر مجاز، همجنسگرایی، اعتقاد به مرامی خاص و تشکیل و عضویت در حزب و گروه سیاسی و غیره را نیز در بر گرفته است. یک نگاه به ترکیب "ستاد حقوق بشر"، گواهی بر این ادعاست. در ستاد مذکور که هاشمی شاهرودی ریاست آن را به عهده دارد، وزرای خارجه، اطلاعات، کشور، دادگستری و ارشاد، مقام‌های نیروی انتظامی و سازمانهای زندان و قضایی مامن گرفته اند.

به گزارش سازمان‌های حقوق بشری، ۹۰ درصد آدمکش‌های دولتی از جانب ۶ کشور صورت می‌گیرد که در میان آنها، جمهوری اسلامی، آمریکای شمالی و چین دیده می‌شوند. مجازات اعدام تا کنون نتیجه بازدارنده نداشته اما لغو آن بازدارنده آدمکشی دولتی و خلع قدرت از آن است. مبارزه برای لغو آدمکشی دولتی و احترام به جان انسان، از اقدامات پر اهمیت اپوزیسیون در امر سرنگونی حکومت مستبد ولایت فقیه است.

۳ دی ۸۶

## نبرد خلق

ارگان سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران

سرمدیر: زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

حعفر پویه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می‌دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی‌کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می‌شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

اخبار و گزارش‌های جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق و مسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاه‌های جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

آدرس سازمان در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار رویدادهای روز ایران و

جهان، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها

و یز بخش شنیداری (راديو پیشگام)

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

بقیه از صفحه ۷

اجتماعی آمریکا را به شدت فرا گرفت. حزب دموکرات کنترل کنگره را بدست گرفت و ناسی پلوسی بعنوان نخستین زن ریاست مجلس نمایندگان را بعهده گرفت. بوش طرح خود برای افزایش نظامیان آمریکا در عراق را اعلام کرد و تلاش کنگره با محدودیت در بودجه برای بستن دست بوش نیز ناکام ماند. در این سال بوش از یک طرف جهان را از خطر جنگ سوم جهانی ترساند و از جانب صحبت از صلح کرد و کنفرانس های رنگارنگ نیز برگزار کرد.

اقتصاد آمریکا که با یکی از حادثترین بحرانهای ادواری خود را روبروست همچنان در این سال بدتر شد. تلاش جمهوری خواهان به ویژه نوکانها برای برون رفت از این بحران تا کنون بی نتیجه بود. با خوندنمایی این بحران جنگ بالکان آغاز شد. اما به قیمت نابودی خانه و آکاشانه بسیاری از مردم و چند تکه شدن یوگوسلاوی باز این درد درمان پیدا نکرد. جنگ افغانستان با مرهم کوچکی چندان کارساز نشد و جنگ عراق نیز چاره این اقتصاد بیمار نیست. زیرا در سال گذشته بانکهای آمریکایی به علت عدم بازپرداخت وامهای بخش مسکن ورشکسته شدند و بازار بورس آن کشور بار دیگر فرو ریخت.

ناتوانی بخش متوسط جامعه از عدم توان پرداخت بدهی های خود نشان می دهد که خیر و برکت جنگ چندان کارساز نبوده و نتوانست جرج بوش را از این بحران ساختاری خلاص کند. جنگ عراق همچنان ماشین جنگی آمریکا را زمینگیر کرده

است و تلاش برای برون رفت از آن تا کنون چندان موفقیت آمیز نبوده است. از یک طرف درگیری و از جانب دیگر مذاکره با رژیم جمهوری اسلامی نیز نتوانسته تا کنون به نتیجه مطلوب نزدیک شود. زیرا هر دو طرف مناقشه بر چیزهای تاکید و اسرار دارند که در بحث قدرت منطقه ای، طرف مقابل قادر به پذیرش آن نیست. گزارش شورای ملی اطلاعات آمریکا در ماههای پایانی سال همچون ساعقه ای بود که بر فرق

جریانهای متفاوت درگیر در بحرانهای منطقه ای خاورمیانه فرود آمد. آمریکا با این گزارش سعی کرد تا حداقل برای مدتی آتش بس بین خود و رژیم ولایت فقیه برقرار کند. هرچند بسیاری این آتش بس پکطرفه را خطرناک بررسی می کنند، اما بسیاری نیز به پی آمد آن دلخوش کرده اند.

یکی از بزرگترین تظاهرات کارگران مهاجر در این سال در آمریکا اتفاق افتاد. بیش از ۲۰۰ هزار نفر در یک تظاهرات اعتراضی خواهان به رسمیت شناختن حق و حقوق کارگران مهاجر که بیشتر لاتینی تبار هستند شدند. در سال گذشته بازهم آمریکا از امضا پیمان کیوتو سر باز زد و خطر و هشدار مراکز متفاوت جهانی برای گرم شدن زمین را نادیده گرفت. اما الگور رقیب انتخاباتی جرج بوش موفق شد به دلیل مبارزه با گرم شدن زمین جایزه صلح نوبل را از آن خود کند.

درگیری آمریکا با روسیه شدت گرفت و مناقشه بر سر سپر موشکی آمریکا در منطقه یکی از مواردی بود که اعتراض شدید روسیه را باعث شد. در بخش های دیگر نیز روسیه و آمریکا همچنان به کشاکش پرداختند و مجادلات آنچنان بالا گرفت که بسیاری آنرا به بازگشت جنگ سرد تعبیر کردند.

در نپال پارلمان پادشاهی "گیاناندرا" را لغو کرد و یکی دیگر از شاهان خود کامه سلطنت اش کله پا شد.

در دارفور همچنان از کشته مردم پشته ساختند و به گزارش سازمان ملل تا کنون بیش از ۲۰۰ هزار نفر کشته شده اند. گروههای شورشی راه امداد رسانی به بیش از دو میلیون انسان بیگناه را بسته اند و اجازه هیچ تحرکی را به نمایندگان سازمان ملل و سازمانها حقوق بشری را نمی دهند.

در برمه حکومت سرهنگهای حاکم بر منابع نفت و گاز تظاهرات مردم همراه با راهب های بودایی را به گلوله بستند و مشخص نشد چه تعداد از مردم در آتش نظامیان کشته شدند. یک خبرنگار نیز در این کشتار در جلو دوربین همکارانش به قتل رسید.

در ونزوئلا هر چند هوگو چاوز در همه پرسى برای تغییر قانون اساسی شکست خورد اما همچنان رویای ریاست جمهوری مدام العمر را در سر می پروراند.

بقیه از صفحه ۹

دولت بوش در کنفرانس بالی پیرامون گرم شدن کره زمین، همه تلاش خود را کرد تا متعهد به آن نشود. فشار و تهدید از جانب نمایندگان دیگر کشورها و به ویژه اروپاییها، سرانجام به ثمر رسید و آن را وادار به توافق کرد (توضیح کامل در نشریه نبرد خلق شماره ۲۷۰).

کنفرانس بالی نشان داد که حفاظت از محیط زیست یک وظیفه و امر جمعی است و از همین روست که شهروندان کره زمین به طور مشترک باید حکومتها را وادار به گردن گذاشتن به چنین تعهداتی کنند.

زیرنویس:

(۱) برای مشاهده لیست کشورهای (که پیمان پاکسازی مین رای ندادند، می توان به آدرس زیر مراجعه کرد.

www.icbl.org/treaty/snp

(۲) برای مشاهده لیست حکومت‌هایی که قرارداد حمایت از حقوق مساوی برای افراد از کار افتاده را امضا نکردند، می توان به آدرس زیر مراجعه کرد.

www.un.org/disabilities/convention/signature.shtml

## رویدادهای کارگری

بقیه از صفحه ۵

مدیر عامل کارخانه آزمایش برعلیه کارگران اقدام به شکایت جزایی به دادگاه و اداره کار کرده است. در حال حاضر برخی از کارگران به قید وثیقه در خارج از زندان هستند و منتظر حکم دادگاه و اداره کار هستند

، به گفته کارگران این پاپوش و بهانه ای برای اخراج این کارگران بوده است چون اکثریت نمایندگان کارگران در اعتصاب ۴۰ روزه قبلی بوده اند و کافرما به بهانه و مارک معتاد و ارادل و اوپاش شرور و فحاشی و تخریب و .... اقدام به اخراج کارگران کرده است حال اینکه حتی یک درب که خشی برداشته باشد در کارخانه پیدا نمیشود.

کارگران میگویند که این اعتصاب اخیر دامی بود که برای اخراج ما کارگران خودشان برنامه ریزی کرده بودند که به بهانه آن تعدادی از کارگران را که برای رسیدن به حقوق خود ساکت نمیشینند اخراج کنند.

خانواده ها و کارگران این کارخانه خصوصا قراردادیها در فشارهای عصبی و مالی شدیدی قرار گرفته اند

## جلادان جنایتی دیگر آفرینند.

## دانشجویی زیر شکنجه های وحشیانه جان سپرد

زینت میرهاشمی  
آن فروریخته گلهای پریشان در باد  
کز می جام شهادت همه مدهوشانند  
نماشان زمنه نیمه شب مستان باد  
تا نگویند که از یاد فراموشانند

ابراهیم لطف الهی، دانشجوی سال دوم رشته حقوق دانشگاه پیام نور سمنجان، زیر شکنجه های وحشیانه جنایتکاران جان سپرد. بر اساس اخباری که در این زمینه منتشر شده است، ابراهیم روز یکشنبه ۱۶ دی بعد از پایان امتحان و خروج از دانشگاه توسط ماموران رژیم در سمنجان دستگیر می شود. در زمان بازداشت، خانواده وی یک بار موفق به دیدار با وی شدند و به مدت ۹ روز از وضعیت او بی خبر بودند. ماموران از ترس واکنش مردم و جوانان جسد شکنجه شده ابراهیم را شبانه در گورستان دفن کرده و سیمان روی آن می کشند تا خانواده وی نتوانند جسد او را ببینند. آنها بعد از دوی و بی، همچنین ماموران، خانواده ابراهیم را زیر فشار قرار می دهند تا مراسمی برای او نگیرند.

در روزهای اخیر بار دیگر تعدادی از دانشجویان فعال چپ دستگیر شدند. دانشجویان چپ و دانشجویان دانشگاههای کردستان زیر فشار و شکنجه برای پرونده سازی قرار دارند. بر اساس اخبار منتشر شده، چهار دانشجوی کرد به نامهای «فرشاد دوستی پور، سهراب کریمی، محمد صالح ابومن و جواد علیزاده» در دانشگاه تهران و سه دانشجوی دیگر در شهر سمنجان، یاسر گلی، هاناد عبدی و روناک صفار زاده» دستگیر شده و زیر فشار قرار دارند.

رژیم با استفاده از شرایط بحرانی خشن ترین شکل سرکوب را پیش می برد. در این شرایط حساس باید توجه جهانیان را به نقض حقوق بشر در ایران جلب کرد. باید به همه نهادهای بین المللی و نهادهای مدافع حقوق بشر مسئولیتشان را یادآوری کرد. هر گونه سازش و مماشات با استبداد مذهبی حاکم بر ایران، مشوق رژیم برای سرکوب بیشتر است.

۲۹ دی

## صدور احکام

## وحشیانه شرعی و

## تاسیس وزارت امر

## به معروف و نهی از

## منکر

جعفر پویه  
بیدادگاه رژیم ضد انسانی  
جمهوری اسلامی در استان  
فارس با حضور پنج قاضی،  
حکم قتل دو جوان را با  
پرتاب از بلندی صادر کرد.  
این حکم در دیوان عالی  
کشور رژیم تأیید و برای اجرا  
ارسال شده است.

در روزهای گذشته همین  
بیدادگاه تحت ریاست  
هاشمی شاهرودی، حکم  
مثله کردن چهار نفر را در  
سیستان و بلوچستان صادر  
کرده است. در این حکم  
دست راست و پای چپ  
محکومین توسط سلاخان  
تحت امر ولی فقیه قطع شد.  
جهت گیری دوباره رژیم به  
سوی توحش و قوانین عصر  
بادیه نشینی که مدتی  
متوقف شده بود، نشان از بی  
پروایی کسانی دارد که در  
زرد بندهای پشت پرده قادر  
می شوند تا حکومت خود را  
مشروع جلوه دهند و از  
گستاخیهایی این چنینی در  
برابر چشم نهادهای مدافع  
حقوق بشر و حقوق  
شهروندی در قرن ۲۱  
هراسی نداشته باشند.

اگر در گذشته تقبیح اینگونه  
اعمال از سوی نهادهای بین  
المللی و محکوم کردن آنها  
برای رژیم مهم بود اما  
اکنون که ثروت سرشار  
حاصل از غارت نفت و به  
کارگیری  
ایدئولوژیک تروریست در  
برابر جهانیان و به رخ  
کشیدن شان توانسته است  
میدان رشوه دهی و باج  
گیری حکومت را فراخ تر

کند، با دستی باز به شیوه  
هایی بسیار وحشیانه به  
سرکوب و مرعوب کردن  
مردم پرداخته اند.

روز پنجشنبه روزنامه  
حکومتی ایران نیز خبر  
داد که «الایحه امر به  
معروف و نهی از منکر از  
سوی محمود احمدی  
نژاد، رئیس جمهوری  
اسلامی امضاء شده و قرار  
است که برای تصویب به  
مجلس شورای اسلامی  
فرستاده شود».

این لایحه تبدیل شورای  
عالی امر به معروف و  
نهی از منکر را به  
وزارتخانه در نظر دارد.  
هم اکنون این شورا از  
ترکیب نماینده رهبر  
جمهوری اسلامی،  
نمایندگان سران سه قوه،  
نمایندگان حوزه علمیه

قم، وزارت ارشاد و صدا و  
سیمای تشکیل می شود اما  
تبدیل آن به وزارتخانه،  
به معنای حکومتی تر  
کردن دین و رسوخ آن در  
هر روزنه و نفوذی است  
که ممکن است در جامعه  
وجود داشته باشد و دست  
همزمان  
سرکوبگران حکومت را  
با توسل به احکام مذهبی  
و بی درو پیکر باز می  
کند.

تشکیل وزارت امر به  
معروف و نهی از منکر و  
صدور احکام مذهبی مثله  
کردن و قتل با پرتاب از  
بلندی در دادگاه های  
شرع به یکدیگر ربط  
دارند و نشان می دهد که  
رژیم جمهوری اسلامی  
با خیال راحت آنچه را که  
تا کنون جرات ابراز و  
عمل نداشتند و به عقب  
انداخته بود، اکنون در  
دستور کار قرار داده است.

۲۱ دی

## مثله کنندگانی از جنس تیمور و چنگیز

منصور امان

جمهوری اسلامی با قطع دست و پای ۵ نفر، اقتدار خود را به  
رخ مردم سیستان و بلوچستان کشید. سر دژخیم دستگاه آیت  
الله شاهرودی در این استان، در همین رابطه به صراحت  
تاکید کرد که هدف از مثله کردن قربانیان، «تنبیه و عبرت  
سایر مجرمین» بوده است.

حجت الاسلام ابراهیم نکونام که با حکم ویژه آقای  
شاهرودی، مامور برپا کردن دادگاه های صحرایی در سیستان  
و بلوچستان گردیده است، اتهام این افراد را «مُحاربه و فساد  
فی الارض» عنوان کرد؛ عنوانی شناخته شده که جمهوری  
اسلامی به معمول در مورد مخالفان و معترضان محکوم شده  
به مرگ به کار می برد.

۴۸ ساعت پیش تر، آقای نکونام به بهانه ای دیگر، دو تن را  
با آویختن به دار تمام کش کرده بود اما به نظر می رسد  
قتلهای مستمری که در میدانهای عمومی و در برابر چشم  
مردم منطقه صورت می گیرد، هدف رووسای او را تأمین  
نکرده و اینک لازم آمده که استعداد "نظام" در سرکوب و  
وحشت پراکنی به تمام به نمایش گذاشته شود.

قربانیان نقص عضو شده و دست و پای بریده ی آنها، پیام  
رژیم مالاها به آدرس همه ی تپیدستان، قحطی و سیل زده  
هایی است که به شرایط خود معترضند. قمه ی شرع مقدس  
آیت الله خامنه ای از آن رو گوشت می درد و استخوان می  
شکند که زمنه شکایت از تحقیر و پاره انگاری قومی و  
اعتقادی به فریاد تبدیل شده است.

نمایش نفرت انگیز جمهوری اسلامی در زاهدان، رفتار  
حکومتی است که به دلیل نداشتن مشروعیت اجتماعی، آداب  
و کردار اشغالگرانی از جنس تیمور و چنگیز را برای تحمیل  
خود برگزیده است. ۱۸ دی

## شهدای فدایی

## بهمن ماه

رفقا: ابراهیم پور رضا خلیق - سعید پایان - فتحعلی پناهیان -  
منیژه اشرف زاده کرمانی - محمد طاهر رحیمی - محسن  
بطحایی - عبدالمجید پیرزاده چهرمی - مسعود پرورش - فاطمه  
افندرنیا - جعفر محتشمی - پوران بداللهی - مصطفی دقیق  
همدانی - انوشه فضیلتی - کلام - کیومرث سنجر - حسن  
فرجودی - حسین چوخاجی - کاووس رهگذر - جهانگیر قلعه  
میاندواب (جهان) - فرشاد مرعشی - حمید مؤمنی - محمدعلی  
خسروی اردبیلی - قاسم سیادتی - بابک سیلابی - خسرو پناهی  
- مهدی اقتدارمنش - محسن نیک مرام - بهروز عبدی -  
محمدجواد عرفانیان - محمادمین نورائی - اکبر پارسی کیا -  
عباس تبریزی - مسعود رحمتی - حسن محمدپور - علی  
نوروزی - بهنام قاسم زاده رضوی - جعفر (حر) رضایی -  
ابراهیم کردی - مراد میرزایی - اسد یزدانی - اسماعیل برزگر -  
فریدون بانه ای - فاطمه محمدی - محسن نوربخش - حسن  
توسلی - فردوس آقا ابراهیمیان - میرمحمد درخشنده (توماج) -  
عبدالکریم مختوم - واحدی - حسین چرجانی - حمیدرضا  
هزارخانی - خسرو گلسترخی - کرامت دانشیان - در مبارزه  
قهرمانانه علیه رژیمهای شاه و خمینی برای نابودی امپریالیسم و  
ارتجاع و استقرار دموکراسی و سوسیالیسم طی سالهای ۱۳۴۹  
تاکنون به شهادت رسیده اند.